فقیه غایب

جایگاه حقیقی و حقوقی فقیه غایب
در شرایط استقرار حکومت جمهوری اسلامی

تهیه و تألیف : حمید رابعی

انتشارات دانش بنیان قرآنیوم

فقیــه غایب

سرشناسه :
عنوان قراردادی :
عنوان و نام پدیدآور : فقیه غایب – حمید رابعی
مشخصات نشر : انتشارات دانش بنیان قرآنیوم
مشخصات ظاهری : پالتویی
شابک :
وضعیت فهرست‌نویسی :
یادداشت :
موضوع : عصر غیبت ، ولایت فقیه
موضوع : قانون اساسی ، حکومت اسلامی ، جمهوری اسلامی
رده‌بندی کنگره :
رده‌بندی دیویی :
شماره کتاب‌شناسی ملی :

فقیه غایب

نویسنده: حمید رابعی
ناشر: انتشارات قرآنیوم
شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱
قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰- - -

سخن ناشــر

انتشارات دانش بنیان قرآنیوم از سال ۱۳۸۶ فعالیت خود را با هدف مقابله و پاسخ به اهـانت‌ها و تحرکات جـریانات شیطانی علیه ساحت مقدس ولایت ائمه اطهار علیهم السلام ، قرآن کریم ، اعتاب مقدسه و سایر مقدسات اسلامی آغاز نمود و طی این سالها سعی آن بر این اصل استوار بوده است گه در این مسیر اهداف خود را وجه المصالحه هیچ گروه و تفکری قرار ندهد ، لذا با توجه به موضوع این کتاب که در خصوص معرفی حقوق و روشهای قانونی احقاق حق حضرت ولی عصر (عج) در بستر قوانین حقوقی در نظام جمهوری اسلامی ایران به رشته تحریر در آمده و شامل منطق ، ادله و مستندات کافی برای اثبات این حقوق بوده نسبت به انتشار آن اقدام شده است

فهرست مطالب

بسم الله الرحیم

تقدیم به پیشگاه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

مقدمه

عنوان این کتاب ، با اشاره به احادیث مربوط به مطالبه مردم خراسان و مشرق زمین[1] در آخرالزمان که با پرچمهای خود به یاری حضرت ولی عصر

---

۱ حداقل یک حدیث معتبر و موثق وجود دارد که نشان می دهد جزییات قیام خراسانی، حکایت از خیر بودن و هدایت گر بودن وی و سپاهش دارد. این حدیث که به « موثقه ی جابر » معروف است، درباره ی قیام اهالی خراسان چنین می گوید:
و یبعث السفیانی جیشا إلی الکوفة ، وعدتهم سبعون ألفاً فیصیبون من أهل الکوفة قتلاً وصلباً وسبیاً فبینما هم کذلک ، إذ أقبلت رایات من قبل خراسان ، وتطوی المنازل طیاً حثیثاً ، و معهم نفر من أصحاب القائم ، ثم یخرج رجل من موالی أهل الکوفة فی ضعفاء ،فیقتله أمیر جیش السفیانی بین الحیرة والکوفة

(عج) خواهند شتافت ، فقیه غایب نامگذاری شده است و با توجه به باز تعریف واژه های غیب ، ایمان ، تقوی ، نعمت ، عصر غیبت ، حکومت ، طاغوت ، ولایت ، احکام ، فقیه ، ولی فقیه ، رهبر ، انتظار و ظهور سعی در انتقال مفاهیمی دارد تا بر اساس مستندات قانونی و تعالیم قرآنی ، لزوم انتقال رسمی حکومت و کرسی ولایت فقیه به حضرت ولی عصر (عج) در دوران استقرار حکومت جمهوری اسلامی را با توجه به قانون اساسی کشور همچنین آیات و روایات اسلامی بررسی نماید . در این کتاب با در نظر گرفتن قوانین جاری نظام جمهوری اسلامی ایران از نظر حقوقی و روایی ، مسیر تحقق واگذاری کرسی ولایت فقیه غیر معصوم به فقیه غایب در دوران استقرار حکومت اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و همچنین بخشی از حقوق حضرت ولی عصر (عج) که در نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون نادیده گرفته شده و احقاق آنها میتواند مبنای انتقال قدرت و تحویل حکومت به آن حضرت قرار بگیرد نیز مورد بررسی قرار میگیرد

نظریه ولایت فقیه باتوجه به محتوای آن ظاهرا برای دوران غیبت ارائه شده ولی خوشبختانه هیچ منع قانونی برای انتخاب حضرت ولی عصر (عج)

←

سفیانی سپاهی به کوفه می فرستد که شمار آن ها هفتاد هزار نفر است. آن ها اهالی این شهر را به قتل می رسانند و به صلیب می کشند و برخی را به اسارت می گیرند، در حالی که آنان بر این حالند، پرچم هایی از جانب خراسان نزدیک می شوند. آن ها منازل و منزلگاه راه ها را شتابان در می نوردند، و تعدادی از یاران قائم با آن ها هستند، سپس مردی از موالی اهل کوفه در « ضعفاء » شورش می کند. فرمانده سپاه سفیانی در منطقه ای میان حیره و کوفه او را به قتل می رساند.

به عنوان ولی فقیه و رهبر جمهوری اسلامی ایران در دوران غیبت وجود ندارد شروط انتخاب ولی فقیه در قانون اساسی عبارتند از[۱] ؛

۱) ایرانی بودن
۲) فقیه جامع الشرایط
۳) عادل و با تقوی
۴) مدیر و مدبر

متاسفانه هنوز هستند افرادی که حضور رسمی و قانونی حضرت ولی عصر (عج) در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران را با منافع خود در تعارض می‌بینند . طبق اصل ۱۱۱ قانون اساسی در معذوریت رهبر برای انجام وظایف خود ، رئیس جمهور منتخب مردم به همراه دو شخصیت حقوقی دیگر وظایف رهبری را تا رفع معذوریت ایشان انجام میدهند که در صورت واگذاری کرسی ولایت فقیه به حضرت ولی عصر (عج) این معذوریت همان غیبت ایشان است

در کتاب "فقیه غایب" شرایط قانونی و شرعی انتخاب ولی فقیه در وجود حضرت ولی عصر (عج) مورد بررسی قرار گرفته و یک به یک اثبات میشود بدیهی است پیروان نظریه ولایت فقیه برای استمرار حاکمیت خود در ایران اسلامی پس از این راهی جز تغییر قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران نخواهند داشت ، در غیر اینصورت برای ایشان چاره ای جز واگذاری کرسی ولایت فقیه به حضرت مهدی (عج) باقی نمی ماند

---

[۱] اصول پنجم و صد و نهم قانون اساسی

مبانی مطالبه ولایت فقیه غایب

ایمان به نعمت ولایت امام غایب

خداوند در سوره حمد انسان را با واژه های هدایت ، راه مستقیم و نعمت آشنا میکند و میفرماید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ[1]

---

[1] قرآن کریم ، سوره حمد آیات ۱ الی ۷

همچنین در سوره بقره [1]میفرماید الم ذَلِکَ الْکِتَابُ لَا رَیْبَ فِیهِ هُدًى لِلْمُتَّقِینَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَیُقِیمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ وَالَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ یُوقِنُونَ که در این آیات عبارتهای اهدنا ، صراط المستقیم و انعمت علیهم در سوره حمد را به روشنی توضیح میدهد و هدایت را مختص افراد متقی که مهمترین ویژگی آنها ایمان به غیب که به تصریح ائمه اطهار مراد از غیب ، حضرت ولی عصر (عج) است عنوان مینماید همچنین در سوره مائده [2]در توضیح معنای نعمت می فرماید الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلَامَ دِینًا وپس از معرفی دوازده ولی معصوم توسط حضرت رسول اکرم (ص) با بیان عبارت أَتْمَمْتُ انتها و حد سلسله ولایت و امامت را برای جلوگیری از هرگونه ادعا و تحریف در سلسله ولایت و امامت ، در همان روز غدیر می بندد

و در نهایت در سوره نساء [3]خطاب به مومنین به غیب و منتظران ظهور حضرت ولی عصر (عج) و مشتاقان حکومت جهانی مهدوی تصریح میکند یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْکِتَابِ الَّذِی نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْکِتَابِ الَّذِی أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ یَکْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِکَتِهِ وَکُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِیدًا

---

[1] آیات اول و دوم سوره بقره

[2] آیه ۳ سوره مائده

[3] آیه ۱۳۶ سوره نساء

مراحل مطالبه ولایت فقیه غایب

مطالبه نخست

از آنجا که نظام مقدس جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل ولایت فقیه از سال ۱۳۵۷ در جهت زمینه سازی برای حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عج) در سرزمین ایران مستقر شده و قوانین آن از سوی همه اتباع این کشور لازم الاجرا است و با توجه به مصوبه مهرماه سال ۱۳۹۸ شورای نگهبان قانون اساسی و مصوبه خرداد ماه ۱۳۹۹ هیات وزیران [1] ، ثبت هر چه سریعتر

[1] آئین‌نامه اعطای تابعیت ایران و صدور شناسنامه به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر ایرانی به شماره ۲۴۹۵۷/ ت ۵۷۶۲۴ هـ مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۱۳

شخصیت حقیقی امام مهدی (عج) و اعطای تابعیت و صدور شناسنامه ایرانی برای حضرت ولی عصر (عج) کمترین حقی است که حاکمیت و نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون از آن غافل بوده و با توجه به اصالت ایرانی آن حضرت از طرف حضرت شهربانو سلام الله علیها این موضوع حق طبیعی و قانونی حضرت صاحب الزمان (عج) در نظام جمهوری اسلامی ایران است . حضرت شهربانو سلام الله علیها [۱]، دختر یزدگرد سوم ، آخرین پادشاه ساسانی ایران است که پس از اسارت در فتوحات اسلامی به مدینه منتقل شد و توسط حضرت علی علیه السلام به همسری امام حسین (ع) درآمد و امام سجاد (ع) از این بانوی بزرگوار متولد گردید . بر اساس مستندات تاریخی حضرت شهربانو (س) به هنگام ولادت فرزندشان امام زین العابدین (ع) وفات نمود .

مطالبه دوم

بر پایه مطالبه نخست ، مجلس خبرگان موظف است تا بلافاصله طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی ، صلاحیت امام مهدی (عج) را نیز به عنوان یک فرد حقیقی زنده و ایرانی الاصل و یک فقیه جامع الشرایط و وارث فقه جعفری جهت انتخاب و انتصاب به عنوان رهبر رسمی کشور و ولی فقیه در حکومت جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار داده و زمینه انتقال قانونی رهبری به آن حضرت را به صورت رسمی فراهم نماید و با توجه به ترک فعل و تعارض منافع موجود در نهادهای اجرایی و قانون گذاری ، این مطالبه را

---

[۱] همسر امام حسین و مادر امام سجاد علیهماالسلام

اکنون پس از دوازده قرن غیبت و ۴۴ سال استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران هرچه سریعتر اجرایی نماید.

مطالبه سوم

مطالبه فقیه معصوم ، ولایت هر شخصی تحت عنوان ولی فقیه را در زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی ، امری غیر عقلانی ، غیر شرعی ، غیر اخلاقی و غیر قانونی میداند و اعتقاد دارد حق حاکمیت و رهبری ، پس از استقرار حکومت اسلامی اخلاقا ، شرعا و قانونا بایستی به امام معصوم واگذار شود تا زمینه ظهور ایشان نیز انشاالله فراهم گردد و هیچ بهانه ای را هم در مسیر واگذاری کرسی ولایت فقیه به آن حضرت قابل قبول و منطقی نمیداند ، بایستی به این سطح از عقلانیت رسید که تا حق قانونی و شرعی آن حضرت را که حاکمیت و رهبری رسمی در جمهوری اسلامی است واگذار نشود ادعای انتظار هم قابل قبول نیست و به عبارتی کسانی که حق آن حضرت را واگذار نمیکنند یعنی منتظر براندازی حکومت توسط آن حضرت هستند

الزامات حکومت فقیه غایب

براندازی حکومتها یا استفاده از نظامهای موجود

بدیهی است حضرت ولی عصر (عج) پس از قیام خود برای برقراری حکومت جهانی مهدوی یکی از دو راه ممکن را انتخاب خواهند کرد یا هیچکدام از نظام های سیاسی موجود و حاکم در دنیا را مشروع و قانونی ندانسته و انرژی خود و اصحاب و یاران خویش را برای سرنگونی این حکومت ها صرف خواهند نمود تا بتوانند حکومت جهانی مورد نظر خود را

مستقر نمایند و یا با توجه به قوانین موجود در کشورهایی از جمله ایران ، حقانیت خود را برای تصاحب حکومت اثبات نموده و پس از تسلط بر این کشورها اقدامات بعدی را برای تحقق حکومت جهانی خود برنامه ریزی خواهند نمود .

اما اکنون جایگاه قانونی و شخصیت حقیقی و حقوقی حضرت ولی عصر (عج) در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و یا سایر کشورهای اسلامی چیست و اگر این جایگاه تاکنون برای ایشان تعریف نشده از کدام اصول قانونی میتوان جهت واگذاری حکومت به حضرت ولی عصر (ع) در ایران و سایر نقاط دنیا بهره برد ؟

اگر امام زمان علیه السلام بخواهند از سازوکارهای موجود در نظام‌های سیاسی کشورهای مختلف برای ایجاد حکومت جهانی خود استفاده کنند کدام نظام را انتخاب خواهند کرد ؟ و اگر امام زمان برای ایجاد حکومت جهانی خود بخواهد از سازوکار نظام سیاسی حاکم در ایران استفاده کند آیا مجلس خبرگان رهبری و سایر نهادهای قانون گذاری و اجرایی در ایران حاضر خواهد شد قبل از درخواست امام زمان (عج) ، حضرت مهدی (عج) را علی رغم غیبت ایشان به عنوان فقیه جامع الشرایط به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران انتخاب کنند ؟ و آیا انتخاب حضرت ولی عصر از سوی مجلس خبرگان به عنوان فقیه جامع الشرایط به رهبری نظام سیاسی ایران زمینه ظهور آن حضرت و آغاز حکومت جهانی ایشان را فراهم نمیکند؟

اهمیت جان فقیه غایب از دیدگاه پیروان نظام و نظریه ولایت فقیه

یکی از نمایندگان مجلس [1] اخیرا طی سخنانی مدعی شده اند که حفظ نظام حتی از حفظ جان امام زمان هم مقدم‌تر است . آیا گمان نمیکنید یزیدیان هم با استدلال حفظ نظام اسلامی امام زمانشان را ذبح کردند و یا اصحاب سقیفه هم با منطق حفظ حکومت اسلامی نبود که آتش بر در خانه دختر رسول الله انداختند و حق ولی معصوم زمان خود را غصب کردند؟

اما آیا حکومتی که امام معصوم و ولی عصر (عج) در آن جایگاهی نداشته باشد اصولا میتواند اسلامی باشد ؟ و آیا در این حالت این نظام تبدیل به حکومت و ولایت طاغوت نشده است ؟ خداوند در سوره بقره [2] میفرماید : بسم الله الرحمن الرحیم الم ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین الذین یومنون بالغیب و.... ایمان به خدا و ولی غایب او نخستین ویژگی متقین در عصر حاضر است . امام صادق(ع) در خصوص تفسیر و مفهوم این آیه می فرمایند : پرهیزگاران کسانی هستند که به حجت غائب(عج) ایمان دارند و با همه وجود باور دارند مولای ما خواهد آمد و قیام کرده و عالم را پر از عدل و داد می کند. [3]

---

۱ حسین جلالی نماینده مردم رفسنجان در مجلس یازدهم

[2] آیات ۱ الی ۳ سوره بقره

[3] تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج۱، ص۱۱۸
بحارالأنوار، ج۵۲، ص۱۲۴/ کمال الدین، ج۱، ص۱۷/ نورالثقلین

اما حالا که حکومت اسلامی مستقر شده پس چرا در این حکومت به اصطلاح اسلامی هیچ جایگاهی برای حضرت ولی عصر (عج) پیش بینی نشده ؟! در حدیث فَأمّا مَن کانَ مِن الفُقَهاءِ ... مُطِیعا لأمرِ مَولاهُ ... [1]که مشخصات فقیه در آن ذکر شده و اتفاقا یکی از مبانی نظریه ولایت فقیه هم عنوان میشود آیا ذکرعبارت مطیعا لامر مولاه با نظریه ولایت فقیه درتعارض نیست ؟ چگونه کسی که باید مطیع امر ولایت باشد خود را مدعی مقام ولایت میداند ؟!

معذوریت غیبت برای امام عصر (عج)

غیبت برای امام زمان (عج) یک معذوریت است همانگونه که بیماری یا سفر برای ولی فقیه معذوریت است و قانون اساسی فعلی مشخص نموده وقتی رهبر از انجام وظایف خود به هر دلیلی معذور بود یک شورای سه نفره متشکل از اشخصاص حقوقی مشخص باید وظایف رهبری را انجام دهد تا معذوریت رهبر رفع شود .[2]

مگر امام زمان ما العیاذ بالله مرده که کسی دیگر جای ایشان بنشانیم ؟ مردم ایران حدود ۱۵ سال از امام زمان خود اطاعت کردند و با کمک یک فقیه حکیم ، حکومت اسلامی را در این سرزمین برپا کردند . آیا کار تمام شد ؟ چرا حکومت به صاحب اصلی آن واگذار نمیشود ؟ نکند منتظریم امام زمان بیاید و حقش را از ما مطالبه کند ؟ مگر در اسلام سفارش نشده که حق هر کسی را قبل از اینکه مطالبه کند به او بدهید ؟

---

[1] وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱، ح ۳۳۴۰۱.

[2] اصل ۱۱۱ قانون اساسی

مفهوم غیب در احادیث و آیات قرآن کریم

الصّادق علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ قَالَ: مَنْ أَقَرَّ بِقِیَامِ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف أَنَّهُ حَقٌّ.۱

امام صادق علیه السلام : منظور از ایمان‌آورندگان به غیب کسانی هستند که به حقّانیّت قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اقرار کرده‌اند.

الرّسول صلی الله علیه و آله فَإِذَا عَجَّلَ اللَّهُ خُرُوجَ قَائِمِنَا عجل الله تعالی فرجه الشریف یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً ... طُوبَی لِلصَّابِرِینَ فِی غَیْبَتِهِ طُوبَی لِلْمُقِیمِینَ عَلَی مَحَجَّتِهِم أُولَئِکَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِی کِتَابِهِ وَ قَالَ: الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ.

پیامبر اکرم (ص) : هنگامی‌که خداوند در ظهور و قیام قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف تعجیل کند او زمین را پر از قسط و عدل می‌کند؛ همان‌طورکه قبل از آن پر از ظلم و ستم شده بود. ... خوشا به حال صبرپیشگان در زمان غیبت او! خوشا به حال آنان که به پیروی از راه و روش امامان تقوا پیشه می‌کنند؛ همان کسانی‌که خداوند در کتابش به: اَلَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ توصیفشان کرده است.۲

الباقر علیه السلام : الذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ هُوَ الْبَعْثُ وَ النُّشُورُ وَ قِیَامُ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف وَ الرَّجْعَهْ .

۱تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱، ص۱۱۸
بحارالأنوار، ج۵۲، ص۱۲۴/ کمال الدین، ج ۱، ص۱۷/ نورالثقلین
۲تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱، ص۱۱۸
بحارالأنوار، ج۳۶، ص۳۰۴/ کفایهً الأثر، ص ۵۶/ بحارالأنوار، ج۵۲، ص۱۴۳

امام باقر علیه السلام : منظور از غیب زنده‌شدن پس از مرگ، روز رستاخیز، قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و رجعت است.۱

شیخ صدوق قدس سره نیز دو روایت از امام صادق (ع) در این باره نقل کرده است: هنگامی که داود بن کثیر تفسیر آیه فوق را پرسید، امام (ع) چنین پاسخ دادند: کسی ایمان به غیب دارد که به حقانیت و حتمی بودن قیام قائم عج اقرار کند:

مَنْ أَقَرَّ بِقِيَامِ الْقَائِمِ ع أَنَّهُ حَقٌّ ۲

همچنین از یحیی بن أبی القاسم نقل کرده که از آن حضرت شنید: مراد از متقین، شیعیان علی (ع) هستند و غیب نیز حجت غائب می باشد:

الْمُتَّقُونَ شِيعَةُ عَلِيٍّ (ع) وَ الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ ۳

ولی فقیه غایب ، تنها رهبر شرعی و قانونی عصر ما است و تا زمانیکه زمینه حکومت جهانی آن حضرت با یاری مومنین واقعی و سربازان آن حضرت فراهم نشود این کشور نیازی به ولایت جعلی هیچ کسی تحت هیچ عنوانی ندارد .

۱تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج۱، ص۱۱۸

بحارالأنوار، ج۲۴، ص۳۵۱/ تأویل الآیات الظاهرهً، ص۳۳

۲(کمال الدین، ج۱، ص۱۷).

۳(کمال الدین، ج۱، ص۱۸).

تفاوت اولی الامر و ولی

ولایت مقامی نیست که با رای مردم به دست بیاید و اگر هم کسی به واسطه رای عده ای از مردم ، بر جامعه آنان حاکم شد ، حداکثر میتواند اولی الامر باشد نه ولی بر آنان ، چرا که بین اولی الامر و ولی یک تفاوت اساسی وجود دارد . با همین استدلال بود که در زمان خلفای راشدین حضرت علی علیه السلام ، علی رغم حقانیت خود در ولایت و حکومت از هیچ مشاوره و راهنمایی به سران حکومت دریغ نکردند ، ولی به سبب مقام الهی خود قطعا اولی الامر نیز خواهد بود اما اولی الامر جایگاهی است که موقتا از سوی مردم برای اداره جامعه به شخصی اعطا شده و قابل تغییر است پس لزوما نمیتواند ولی جامعه باشد . آیا با این وجود نمیتوان گفت ولایت فقیه در حضور وارث برحق فقه جعفری همان خلافت سقیفه در حضور وارث غدیر است و آیا عقیده ای شرک آمیز تر و کفر آلود تر از عقیده به ولایت این فقیه در حضور امام غایب میتواند وجود داشته باشد ؟ آیا گناه شریک کردن یک فقیه در ولایت معصوم بیشتر از شریک قائل شدن برای خدا نیست ؟

جایگاه رسمی حضرت ولی عصر (عج) در قانون اساسی

در هیچ کدام از ارکان نظام فعلی حاکم بر ایران و اصول قانون اساسی آن نکته ای که مانع از انتخاب حضرت ولی عصر (عج) به عنوان رهبر کشور باشد نمیتوان پیدا کرد اما بالعکس ، دلایل و مستندات فراوان قانونی و روایی وجود دارد که حضرت ولی عصر (عج) بایستی به عنوان ولی فقیه و رهبر رسمی جمهوری اسلامی ایران از سوی نظام و ارکان قانون گذاری و اجرایی از جمله مجلس خبرگان رهبری انتخاب شود . طبق قانون در زمان غیبت

حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه » در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان ، شجاع ، مدیر و مدبر عنوان شده است .[1]

اما ذکر عبارت فقیه عادل و باتقوا در این اصل با اعطای مقام ولایت و امامت امت به فقیه ، در تعارض است چرا که فقیه با تقوی به غیب ایمان دارد و ایمان به ولایت و امامت حضرت ولی عصر (عج) در دوران غیبت مهمترین ویژگی فقیه عادل است . بر همین اساس پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی که مصداق حاکمیت اسلام و شریعت اسلامی است فقیه عادل خود را مدعی ولایت نمیداند بلکه به عنوان یکی از سربازان حضرت ولی عصر به عنوان رهبر رسمی و ولی امر خود گوش به فرمان اوست

همین امروز اگر رهبر فعلی بیمار شود و یا به هر دلیلی از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود وظایف رهبری به شورایی متشکل از رئیس جمهور ، رئیس قوه قضاییه و یک نفر از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار میشود ، به فرض هم اگر دلیل مخالفان با انتخاب حضرت ولی عصر (عج) به رهبری در این نظام ، غیبت ایشان باشد بازهم میتوان طبق اصل ۱۱۱ قانون اساسی وظایف رهبری را موقتا تا زمان ظهور به همان شورای مذکور محول کرد . نکته مهم در این تغییر و تحول ، رفع شرکی است که با جعل ولایت در کشور و حکومت نهادینه شده است .

مشرکین به خدا سراغ بت پرستی رفتند و مشرکین به ولایت حضرت ولی عصر (عج) سراغ ولایت طاغوت میروند . منطق جمله "ولایت فقیه همان

---

[1] اصل ۵ قانون اساسی

ولایت معصوم است" **هم** در صورتی درست خواهد بود که فقیه جامع الشرایط را حضرت ولی عصر (عج) بدانیم در غیر اینصورت این جمله از اساس مشکل خواهد داشت .

چون که صد آید ، نود هم پیش ماست همانطور که دوران غیبت حضرت علی علیه السلام پس از ۲۵ سال خانه نشینی با تغییر نگرش مردم و انتخاب نعمت ولایت به پایان رسید میتوان دوران غیبت امام دوازدهم را هم با تغییر نگرش و انتخاب نعمت ولایت تمام کرد .

بررسی تفاوت ولایت دائم فقیه غایب با ولایت موقت فقیه

آیا ولایت فقیه معصوم هرچند غایب به مبانی اسلامی و اعتقادات شیعه منتظر نزدیکتر است یا اعطای مقام ولایت به یک فقیه غیر معصوم با ارائه نظریه ولایت فقیه ؟! البته داشتن هویت حقیقی و ثبت شخصیت حقوقی برای حضرت ولی عصر (عج) در حکومتی که ادعای زمینه سازی برای ظهور آن حضرت را دارد یک حق است هرچند از نظر بسیاری افراد کاری عبث و پیش پا افتاده باشد ولی همین حق ناچیز را چرا پیگیری نمی کنیم ؟

پس از ثبت هویت حقیقی حضرت ولی عصر (عج) در سازوکارهای نظام جمهوری اسلامی ایران طبق قوانین جاری کشور وجود نازنین حضرت ولی عصر (عج) بایستی به عنوان یک شخصیت حقوقی و رهبر رسمی و ولی کشور معرفی شود نه شخص دیگری تحت عنوان ولی فقیه . این بی قانونی را چه کسی یا چه نهادی باید پاسخگو باشد ؟

بررسی اعتبار نواب در عصر غیبت

آیا اعتبار نواب اربعه با اعتبار فقیه در عصر غیبت قابل مقایسه است ؟ چهار نفر نایب در عصر غیبت صغری با اسم و مشخصات از سوی ائمه معصومین علیهم السلام معرفی شدند ، اما اگر هم برای فقیه در عصر غیبت که مترادف با عصر حکومت طاغوت است اعتبار نیابت و ولایت قائل شویم این اعتبار تا چه زمانی وجود دارد ؟ آیا این اعتبار را پس از استقرار حکومت اسلامی هم میتوان توجیه کرد ؟ ادعای ولایت و نیابت در زمان استقرار حکومت اسلامی ولایت فقیه را به ولایت طاغوت تبدیل میکند و تداوم آن حکومت اسلامی را هم به حکومت طاغوت تبدیل خواهد کرد .

کسانی که نظریه ولایت فقیه را یک نظریه کاملا اسلامی و شیعی میدانند به این موضوع مهم توجه ندارند که این نظریه را فقط تا استقرار حکومت اسلامی میتوان توجیه نمود و در زمان استقرار حکومت اسلامی ، ولایت اعتباری و قراردادی فقیه بایستی به همان کسی واگذار شود که دستور رجوع به فقیه را صادر کرده است

ضرورت معرفی نواب اربعه در حکومت طاغوت

انتخاب چهار نفر نائب در غیبت صغری به این خاطر انجام شد که در آن زمان حکومت در دست امام زمان نبود اما در عصر کنونی که حکومت اسلامی لااقل درایران مستقر شده است و لزومی هم به انتخاب نائب و جانشین برای امام عصر (عج) وجود ندارد چه بهانه ای وجود دارد که امام زمان هیچ

جایگاهی در این حاکمیت ندارند ؟! اگر واقعا قرار است که حکومت مستقر در ایران ، اسلامی بماند آیا نباید جایگاه ولایت فقیه متعلق به خود حضرت باشد؟ البته امام زمان لازم نیست حتما ایرانی باشند که امامت و ولایتش را بپذیریم. هرچند که طبق قوانین مصوب همین حکومت ایشان یک فرد ایرانی هم هستند ، امام زمان از طرف خدا نه تنها ولایت بر مردم ایران دارند بلکه بر مردم کل دنیا ولایت دارند اما افرادی غیبت ایشان را برای عدم پذیرش ولایت آن حضرت بهانه میکنند که به هیچ وجه قابل قبول نیست .

در حکومت اسلامی ایران ، ولی فقیه معصوم در معذوریت غیبت هستند و تکلیف حاکمیت در مواجهه با این شرایط کاملا مشخص است و مطلب گنگی هم وجود ندارد که لازم به توضیح اضافه باشد . حضرت امام زمان (ولی فقیه معصوم) در معذوریت غیبت هستند و در این شرایط ، قانون اساسی در حکومت اسلامی تکلیف معینی را پیش بینی کرده است پس میتوان امیدوار بود که این ساختار زمینه ساز ظهور خواهد شد انشاالله چون هم حکومت آ اسلامی است و هم پیش بینی لازم در قانون اساسی آن برای جایگاه امام زمان (ولی فقیه معصوم) شده است

آسیب شناسی نظریه ولایت فقیه

چرا ولایت فقیه معصوم

نظریه ولایت فقیه بر اساس دو حدیث زیر پایه گذاری شده است

حدیث اول : اَمَّا الْحَوادِثُ الْواقِعَةُ فَارْجِعوُا فیها اِلی رُواةِ حَدیثِنا، فَاِنَّهُمْ حُجَّتی عَلَیْکُمْ وَاَنَا حُجَّةُ اللّهِ عَلَیْهِمْ ۱

---

۱ ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، ج۱، ص۴۸۵، ح۴
طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الغیبة، ص۲۹۱، ح۲۴۷
طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، احتجاج، ج۲، ص۲۸۴
طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ج۲، ص۲۷۱
أبو جعفر الاربلی، ابن ابی الفتح، کشف الغمة، ج۳، ص۳۳۸

حدیث دوم : الإمامُ العسکریٌّ علیه السلام بَعدَ تَقبیحِ تَقلیدِ عَوامِ الیَهودِ لِعُلَماءِ الفَسَقَهْ ـ : فَمَن قَلَّدَ مِن عَوامِّنا مِثلَ هؤلاءِ الفُقَهاءِ فَهُم مِثلُ الیَهودِ الذینَ ذَمَّهُمُ اللّه ُ بالتَّقلیدِ لِفَسَقَهْ فُقَهائهم . فَأمّا مَن کانَ مِن الفُقَهاءِ صائنا لنفسِهِ حافِظا لِدینِهِ مُخالِفا علی هَواهُ مُطِیعا لأمرِ مَولاهُ فلِلعَوامِّ أن یُقَلِّدُوهُ ، وذلکَ لا یکونُ إلّا بَعضَ فُقَهاءِ الشِّیعَهْ لا جَمیعَهُم ۱

اولا : از هیچ عبارت محتوای این احادیث اعطای مقام ولایت و امامت به فقیه استنباط نمیشود

ثانیا : این احادیث از ناحیه معصوم برای زمانی که هنوز حکومت اسلامی در عصر غیبت مستقر نشده تجویز شده و پس از استقرار حکومت اسلامی در هرکجای دنیا ، فقیه عادل که مشخصات آن در حدیث دوم ذکر شده باید حکومت و جایگاه رهبری را تقدیم حضرت ولی عصر نماید

ثالثا : حالا که حکومت اسلامی در ایران مستقر شده به چه دلیل هیچ جایگاهی اعم از شخصیت حقیقی یا شخصیت حقوقی برای حضرت ولی عصر (عج) در نظام اسلامی آن پیش بینی نشده است ؟!

رابعا : ذکر عبارت مطیعا لامر مولاه در حدیث دوم که ویژگیهای فقیه عادل در آن تبیین شده است تصریح میکند که فقیه مورد نظر ائمه معصومین

←

راوندی، ابن هبه الله، الخرائج و الجرائح، ج۳، ص۱۱۱۴

مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج۵۳، ص۱۸۱، ح۱۰

حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعهْ، ج۲۰، ص۱۴۰،

۱الاحتجاج : ۳۳۷/۵۱۰/۲ .

در عصر غیبت که باید محل رجوع مسلمانان باشند خودشان صاحب ولی و امام هستند در حالیکه در نظریه ولایت فقیه ، فقیه حاکم ادعای امامت و ولایت دارد !

تک تک افراد جامعه ، از فقیه حاکم گرفته تا یک طفل یتیم روستایی صاحب هویت و شخصیت حقیقی هستند ، حضرت ولی عصر (عج) هم به عنوان یک فرد زنده و ایرانی ، حق داشتن شناسنامه و شخصیت حقیقی را در این نظام دارند چرا که این حق ، پایه و اساس بسیاری از حقوق دیگر خواهد بود که مهمترین و اصلی ترین آن برای حضرت ولی عصر (عج) تصاحب حکومت و رهبری نظام جمهوری اسلامی در ایران است ثبت هویت حقیقی و تنظیم شناسنامه برای تمام اتباع ایرانی وظیفه قانونی دولت و قوه قضائیه است و لزومی هم ندارد برای دریافت این حق ، درخواستی از سوی صاحب حق ارائه شود

اینکه حضرت ولی عصر (عج) نیازی به تابعیت هیچ کشوری برای کسب مشروعیت و ولایت خود ندارند حرف کاملا درستی است اما عدم تابعیت ایشان در هیچ منطقه ای از دنیا هم استفاده از سازوکارهای موجود در آن مناطق را برای ایشان غیر ممکن خواهد کرد .

فرض کنیم ، رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران از دنیا رفت و مجلس خبرگان شخص دیگری را به رهبری نظام جمهوری اسلامی انتخاب کند و بعد از چند سال مجددا شخص دیگری و.... این سلسله فقیهان غیر معصوم که هیچ مبنای قرآنی ، حقوقی و اخلاقی در عصری که مسلمانان

مدعی استقرار حکومت اسلامی درآن هستند ندارد تا کجا باید ادامه پیدا کند ؟ آیا این سلسله پس از چند نسل کارکرد خود را خواهد داشت ؟ و چرا یک بار برای همیشه جایگاه ولایت فقیه را به صاحب اصلی آن یعنی امام معصوم واگذار نمیکنیم ؟

منظور از ولایت فقیه غایب چیست ؟

منطق پیروان نظریه ولایت فقیه در زمان غیبت امام زمانی (عج) که در قید حیات بوده و وارث فقه جعفری است ، این است که چون امام معصوم و ولی فقیه اصلی غایب است وبه واسطه غیبت ایشان به او دسترسی ندارند پس مجبورند ولایت یک فقیه دیگر که به نظر خودشان از همه بهتر است را قبول کنند ! متاسفانه پیروان نظریه ولایت فقیه در عصر حاکمیت و استقرار حکومت اسلامی به این نکته توجه ندارند ، همان خدایی هم که ولایت امام غایب را بر مردم قرار داد غایب است و با منطق و استدلال این افراد ، چون خدا غایب است و مردم به خدا دسترسی ندارند پس مجاز هستند یک خدای دیگر را بپرستند و بنده او شوند ؟! این دقیقا همان کاری است که با ولایت امام زمان انجام داده اند و متاسفانه این تفکر جامعه را از هر جهت در سراشیبی سقوط قرار داده است

متاسفانه حقی که پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید بلافاصله به حضرت ولی عصر (عج) اعطا میشد اکنون پس از ۴۴ سال غفلت و ترک فعل بسیاری از سازمانهای دولتی و قضایی که از سال ۱۳۹۹ موانع

قانونی آن نیز با تصویب قانون اعطای تابعیت به فرزندان مادران ایرانی برطرف شده ، هنوز حتی زمینه آن نیز فراهم نشده و جایگاه شرعی و قانونی ولایت فقیه که باید در اختیار حضرت صاحب الزمان قرار داشته باشد اگر نگوییم از ۱۲ اردیبهشت ۵۸ همزمان با استقرار رسمی نظام جمهوری اسلامی یا نیمه خرداد ۶۸ پس از رحلت بنیانگذار این نظام ، میتوانیم از نیمه خرداد ۹۹ با تصویب قانون اعطاء تابعیت به فرزندان دارای مادران ایرانی آنرا غصب شده بدانیم

رهبر انقلاب اسلامی مردم ایران که با شعار زمینه سازی برای ظهور حضرت ولی عصر (عج) نظام جمهوری اسلامی ایران را در سال ۱۳۵۷ با همراهی مردم مسلمان این سرزمین که به سفارش ولی امر و صاحب عصر از ایشان که یک فقیه بود پیروی کردند ، در این سرزمین مستقر کرد هم هیچگاه خود را ولی مردم نمی‌دانست و امام آنان معرفی نمیکرد بلکه این لقب هایی بود که اطرافیان متملق و چاپلوس به ایشان داده بودند و به مرور زمان این عبارتهای حقوقی نهادینه شد اما بالعکس شخص بنیانگذار انقلاب اسلامی در ایران همیشه آرزوی برقراری حکومت حضرت ولی عصر (عج) در این کشور و کل جهان را داشتند و همیشه این موضوع را مطالبه میکردند .

جایگاه فقیه معصوم پس از استقرار حکومت اسلامی

باید اقرار کرد با اعطای مقام ولایت به فقیه در دوران استقرار حکومت اسلامی ما نه مفهوم غیبت را درست متوجه شده ایم و نه مفهوم فقیه جامع الشرایط را . مگر الان که رئیس جمهور قانونی کشور ، وزیر و استاندار و

فرماندار مشخص می‌کند ریاست جمهوری را به وزیر یا استاندار یا فرماندارش اعطا می‌کند ؟ مگر ولایت و امامت و حکومت فقط در فقه خلاصه شده که حالا چون حضرت فرمودند برای احکام روزمره در عصر غیبت و در عصر حکومت طاغوت به فقیه مراجعه کنید کلا بگوییم حکومت و امامت و ولایت را به فقیه واگذار کردند ؟! امام جماعت مسجد محل هم فقیه است ، شما به او امام میگویید و او هم احکام را به شما می آموزد ، این امام جماعت آیا صاحب حکومت و ولایت میشود ؟ ، قطعا خیر پس در عصر حاضر که عصر حاکمیت اسلام و نظام اسلامی است ولی و امام و رهبر کشور ما حضرت ولی عصر (عج) خواهند بود ، مردم هم برای امور فردی و احکام شرعی به فقها که مورد اشاره آن حضرت هستند و میتوانند در جایگاه ریاست سه قوه قرار بیرند مراجعه می کنند . خوشبختانه دوران حکومت سلسله های شاهنشاهی و خلافت بنی عباس و بنی امیه با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به سرآمده و با وجود حضرت ولی عصر (عج) نیازی نیست به استناد حدیث رجوع به فقها اصل ولایت و امات را به فقیه واگذار کنیم ، الان دوران استقرار حکومت اسلامی و ولایت امام زمان (عج) است.

آیا به حرف میشود بگوییم امام و رهبر و ولی ما حضرت مهدی صاحب الزمان است اما در مقام عمل یک نفر دیگر تحت عنوان ولی فقیه رهبر رسمی کشور باشد؟ در قانون اساسی تصریح شده بالاترین مقام رسمی کشور بعد از رهبر ، رئیس جمهور است و از آنجا که حضرت ولی عصر (عج) هیچ جایگاهی در قانون اساسی کشور ندارد پس بالاترین مقام رسمی کشور پیش از

مقام ریاست جمهوری باید شخص حضرت ولی عصر (عج) باشد چون حکومت متعلق به ایشان است . ولی فقیه و رهبر رسمی در کشور نیز حضرت ولی عصر خواهند بود نه شخصی دیگر .

وظیفه منتظران در عصر غیبت

بر ما منتظران لازم است تا همیشه دوران غیبت حضرت علی (ع) را جلو چشمان خود داشته باشیم تا بدانیم وظیفه امت اسلامی در عصر غیبت امام زمانشان چیست ، حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه های نهج البلاغه فرمودند که مردم پس از ۲۵ سال نادیده گرفتن حق ایشان در حکومت ، مردم آنچنان به خانه ایشان هجوم آوردند که نزدیک بود حسنین زیر دست و پا له شوند. اینگونه بود که دوران غیبت ۲۵ ساله حضرت علی به اتمام رسید ، چگونگی تعریف ما از غیبت وظیفه ما را در عصر غیبت حضرت ولی عصر (عج) مشخص میکند ، قانون اساسی میگوید پس از مقام رهبری ، رییس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و در اصل ۱۱۱ قانون اساسی صراحت دارد که هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده‌دار خواهد بود.

وظیفه نهادهای قانون گذاری حکومت اسلامی در عصر غیبت

مگر مجلس خبرگان وظیفه ندارد صلاحیت تمام فقهای زنده و ایرانی را مورد ارزیابی قرار دهد؟ [1] چرا این فقیه زنده و ایرانی امام زمان (عج) نباشد ؟

---

[1] اصل ۱۰۷ قانون اساسی

چون غایب است؟! مگر در قانون اساسی ذکر نشده اگر به هر دلیلی رهبری از انجام وظایف خود ناتوان بود شورای سه نفره وظایف او را انجام دهد ؟[۱] در عصر غیبت نیز حضرت ولی عصر (عج) به دلیل غیبت از انجام وظایف رهبری معذوریت دارند اما با این حال هنوز ولایت و رهبری دارند . چرا حق رهبری ایران توسط حاکمیت به آن حضرت اعطا نمیشود تا زمینه ظهور فراهم شود ؟ به فرض هم که ظهور در این شرایط نیز واقع نشود آیا خلائی در نظام جمهوری اسلامی ایران و حاکمیت ایجاد میشود ؟ آیا همان شورای سه نفره که سه شخصیت حقوقی هستند تا ظهور نمی‌توانند وظایف رهبری را انجام دهند ؟

---

[۱] اصل ۱۱۱ قانون اساسی

تاریخچه حکومت در سلسله فقیهان

سلسله فقیهان

ولایت فقیه با تعریفی که پیروان این نظریه از آن دارند و کارکرد آن طی سنوات گذشته ، پیش از استقرار حکومت جمهوری اسلامی ، چندین بار تحت عناوین دیگری در زمان حیات ائمه اطهار (ع) و غیبت حضرت ولی عصر (عج) اتفاق افتاده و مطلب جدیدی نیست و با توجه به تعریف و کارکرد آن باید گفت در زمان حیات امام عصر (عج) چه در عصر غیبت ، چه در استقرار حکومت اسلامی و حتی پس از آن با استناد به آیات ، احادیث ، روایات و قوانین جاری و رسمی کشور جایگاهی در حکومت اسلامی نمیتواند داشته باشد

ولایت فقیه سقیفه در عصر غیبت امام علی علیه السلام

مگر امام علی دوران غیبت نداشت ؟! چه شد که مجلس خبرگان سقیفه ولی فقیه را بر امام و ولی زمان خود ترجیح دادند در شرایطی که چهار معصوم زنده حی و حاضر وجود داشت . چه شد که دوران غیبت امام علی ۲۵ سال طول کشید ؟! و چه شد که امام علی (ع) پس از ۲۵ سال خانه نشینی و غیبت در امور حاکمیت ظهور کرد ؟ باید یک بار دیگر مرور کنیم که حضرت ولی عصر (عج) در زمان حیات خود چه چیزی را به فقیه اعطا کرد ؟ امام عسکری مهمترین ویژگی فقیه را مطیع امر مولا بودن فقیه ذکر کرده اند ، مفهوم همین جمله یعنی فقیه خودش ولی و امام دارد .

وظیفه ما در دوران غیبت با تعریف ما از غیبت ارتباط مستقیم دارد ، مگر ما غیبت را چگونه تعریف کرده ایم که برای امام زنده خود جانشین قرار میدهیم ؟ امام معصوم ممکن است به حاکم فقیه هم مشورت بدهد اما مقام ولایت و امامت را واگذار نمیکند چون این حق ، جایگاه و مقام خود او است و حق واگذاری آن را ندارد ، بحث در این است که در حال حاضر طبق قانون مصوب و جاری کشورمان ، امام زمان علیه السلام شرایط رهبری کشور را دارد ، چرا کس دیگری باید جای ایشان باشد . امام ما هم زنده است ، هم فقیه جامع الشرایط و هم یک فرد ایرانی .

ولایت فقیه عباسی در عصر غیبت امام رضا (ع)

امام رضا علیه السلام هم ولایتعهدی ولی فقیه عباسی را با شروطی پذیرفتند که هم به حاکمیت و هم به مردم ثابت کنند حکومت و ولایت حق

امام معصوم است نه شخص دیگر[1] براساس مستندات تاریخی ، حضرت رضا (ع) مجبور به پذیرش ولایتعهدی مامون شدند امام شرطهایی گذاشتند که به همه مردم بفهمانند ایشان هیچ دخالتی در امور حکومت ندارند و در عصر حاضر نیز با توجه به حقانیت حضرت ولی عصر (عج) ، بزرگترین مانع ظهور آن حضرت را میتوان وجود حکومتهای غیر مشروع و غیر قانونی دانست نه آنچیزی که در منابر و سخنرانیهای حکومتی تحت عنوان عدم آمادگی جامعه عنوان میشود .

مجددا تاکید میشود اینکه حضرت نیازی به تابعیت هیچ کشوری برای کسب مشروعیت و ولایت ندارند کاملا بدیهی است ولی عدم تابعیت ایشان در هیچ منطقه و دولتی ، استفاده از سازوکارهای موجود در آن حکومت را برای ایشان غیر ممکن خواهد کرد .

متاسفانه در حال حاضر حکومت اسلامی در ایران برای ولایت امام زمان (عج) شریک قرار داده در حالیکه جایگاه ولایت جایگاهی نیست که بشود به صورت شراکتی آنرا اداره کرد . حتی اگر امام علی (ع) در قید حیات باشد امام حسن (ع) با تمام مقام عصمت و آن جایگاه رفیع مقام ولایت و امامت ندارد ، حالا چگونه است که در حیات امام زمان (عج) یک فقیه را ولی قرار میدهیم !

---

[1] ۱ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۹

سیره عملی حضرت سیدالشهدا (ع) در حکومت امام حسن امام حسن (ع)

در روایات آمده است : پس از شهادت امیرالمؤمنین علی (ع)، امام حسن (ع) عهده‌دار زعامت مسلمانان گردید. اما خلافت آن حضرت (ع) بواسطه کارشکنی‌های عراقی‌ها و در نتیجه صلح با معاویه بیش از شش ماه دوام نیاورد .در این مدت کوتاه، امام حسین (ع) همواره در کنار برادر حاضر بود و از هیچ کوششی در راه خدمت و مساعدت به ایشان مضایقه نکرد. روایت شده پس از شهادت حضرت علی (ع) مردم نزد امام حسن (ع) گرد آمدند تا با او بیعت کنند . امام حسن (ع) به ایراد سخن پرداخته به آنان فرمود: با من بر سر فرمانبرداری و گوش به فرمان بودن، بیعت کنید و با هر کس جنگیدم شما نیز بجنگید و با هر کس در صلح بودم شما نیز در صلح باشید. مردم چون این سخنان را شنیدند تردید کردند و از بیعت خوداری کردند، امام حسن (ع) نیز دست نگه داشت .

آنان نزد امام حسین (ع) آمدند و به او گفتند: دست بگشای تا با تو بر جنگیدن با گمراهان و حلال شمارندگان حرام‌ها یعنی شامیان بیعت کنیم همان گونه که با پدرت این چنین بیعت کردیم. امام حسین (ع) فرمود: پناه بر خدا از این که تا هنگامی که امام حسن علیه‌السّلام زنده است، با شما بیعت کنم ! پس مردم دیگر بار نزد امام حسن (علیه‌السّلام) بازگشتند و با او بیعت کردند. ۱

۱ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵، ج۱۳، ص۲۶۳

چون در این نظام سیاسی هیچ جایگاهی برای حاکمیت امام زمان تعریف نشده ناگزیر باید از سازوکار موجود برای انتخاب حضرت به رهبری کشور استفاده کرد که مسیر آن هم مجلس خبرگان است حضرت علی هم از طرف خدا انتخاب شده بودند ولی ۲۵ سال خانه نشین (غایب) شدند تا مردم ایشان را انتخاب کنند .ایمان به ولایت و امامت امام غایب اولین و مهمترین ویژگی انسان متقی و هدایت شده است هدی للمتقین ، الذین یومنون بالغیب... و هیچ امامی در زمان حیات خودش کسی را امام و ولی مردم قرار نداد حتی اگر فرزند و برادر معصوم خودش باشد

مقام امامت و ولایت ائمه قابل واگذاری نیست حتی اگر خود امام بخواهد در زمان حیات خودش واگذار کند ، سلسله امامت و ولایت کاملا مشخص و مستند از امام علی تا امام قائم علیهم السلام ثبت شده است ، البته هرکدام هم بنا به شرایط زمان خودشان دوران غیبت داشته اند .

←

محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ الطبری)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، چاپ دوم، ۱۹۶۷، ج۵، ص۱۶۲

ابن اثیر، علی بن ابی الکرم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر–داربیروت، ۱۹۶۵، ج۳، ص۴۰۲

دینوری، ابن قتیبه، الامامه و السیاسه، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۹۹۰، ج۱، ص۱۸–۱۸۳

ایمان به غیب و مفهوم عبارت هدی للمتقین در عصر غیبت

یقینا ایمان به غیب یا به عبارت قرآنی آن یومنون بالغیب این کلاف سردرگم را باز خواهد کرد . کسانی که به خدای غایب ایمان نیاوردند بت پرستی پیشه کردند و کسانی هم که به امام غایب ایمان نمیاورند ناگذیر سراغ ولایت طاغوت خواهند رفت ، یخرجونهم من النور الی الظلمات اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون[۱]

قانون اساسی ما رهبر را عالیترین مقام رسمی کشور میداند و همین قانون میگوید امام زمان (عج) به عنوان ولی فقیه غایب می‌تواند شرعا و قانونا رهبر کشور ما باشد . امام زمان حاضر است ، همه این سردرگمی به همین خاطر است که فکر میکنیم امام زمان ، چون در معذوریت غیبت قرار گرفته صاحب هیچ حقی در این نظام نیست و هیچ دخل و تصرفی نمیتواند داشته باشد و احاطه ای به جهان ندارد ، جایگاه رسمی حضرت ولی عصر(عج) ، در حکومت اسلامی صراحتا ولایت و امامت ذکر شده و نیازی به تغییر قانون اساسی کشور یا تغییر نظام موجود نیست تا برای فقیه تحت عنوان ولی فقیه هم یک کرسی به ارکان نظام اضافه کنیم ، مجلس خبرگان اگر به وظیفه خودش واقف شود قانونا امام زمان رهبر کشور ما و همان ولی فقیه هستند . اگر هم پس از واگذاری حق حکومت به آن حضرت باز هم به اراده خداوند متعال آن حضرت ظهور نکرد قانون اساسی کشور صراحت دارد شورای سه نفره مندرج در اصل ۱۱۱ قانون اساسی که دو نفر آنان یعنی رئیس قوه قضائیه و یک عضو شورای نگهبان قطعا باید فقیه عادل باشند و شخص رئیس جمهور

۱ سوره بقره آیه ۲۵۶

منتخب مردم که میتواند یک فقیه انتخاب شود وظایف رهبری را تا ظهور انجام میدهند که بازهم نیاز به یک کرسی اضافه در حکومت اسلامی نخواهد بود ، پس باز هم نتیجه میگیریم رهبر قانونی و شرعی ما همان امام زمان است نه ولی غیر معصوم .

بیماری عذری بالاتر از غیبت برای رهبر جامعه نیست

غیبت امام معصوم که از بیماری ولی فقیه بالاتر نیست ، غیبت هم میتواند یک حادثه تلقی شود که در قانون به آن تحت عنوان معذوریت تصریح شده است ، و موقتا تا ظهور شورای سه نفره وظایف ایشان را انجام میدهند . امام زمان ما نه فوت کرده اند و نه از مقام ولایت عزل شده اند و نه خودشان از مقام امامت و ولایت کناره گیری کرده اند . اصول ۱۰۹ ، ۱۱۰ و ۱۱۱ قانون اساسی در مورد رهبر کشور است و امام زمان قانونا و شرعا رهبر جامعه اسلامی ایران هستند .

پیامبر اکرم تک تک ائمه تا حضرت مهدی (عج) را در خطبه غدیر تا سیصد سال بعد ازحیات خود با ذکر مشخصات نام میبرند و خدای غایب نیز فرمود هدی للمتقین الذین یومنون بالغیب و خلیفه خدا هم فرمود منظور از غیب ، امام غایب است البته در ادامه این آیه و در پاسخ به کسانی که ذره ای در این حقیقت شک دارند باید گفت :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا [1] ، ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین الذین یومنون بالغیب[2]....

اما اگر بازهم بهانه تراشی کردند و در مقابل این حقیقت آشکار لجاجت به خرج دادند خواهیم گفت : لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ، وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ، وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ، وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ، لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ [3]

---

[1] آیه ۱۳۶ سوره نساء

[2] آیه ۳ سوره بقره

[3] آیات ۲ الی ۶ سوره کافرون

تکالیف و ضرورتها در عصر غیبت

تبعیت از ولایت فقیه غایب تکلیف است یا ضرورت

اکنون پس از ۴۴ سال استقرار نظام جمهوری اسلامی و حاکمیت قوانین اسلامی در این سرزمین با توجه به انجام ندادن تکلیف شرعی و قانونی ولی فقیه در واگذاری حاکمیت و کرسی ولایت فقیه به صاحب اصلی آن حضرت حجت بن الحسن العسکری (عج) ، برای حفظ نظام جمهوری اسلامی در ایران ناگزیر از واگذاری این جایگاه به صاحب اصلی آن امام زمان هستیم چرا که تجزیه طلبان ، منافقین ، سلطنت طلبها و دشمنان خارجی مترصد براندازی و ایجاد نظامی منطبق بر آرمانهای خود در این سرزمین هستند ، حذف کرسی ولایت فقیه غیر معصوم و واگذاری آن به ولایت فقیه معصوم غایب ، سایه

این خطر را از روی نظام جمهوری اسلامی ایران که ثمره خون بیش از سیصد هزار شهید و مجاهدت‌های مردم انقلابی ایران است برای همیشه برمی‌دارد انشاالله .

تغییر نظام در یک کشور هزینه بسیار بالایی دارد و پرداخت مجدد این هزینه به فاصله کمتر از پنج دهه در توان اکثریت مردم جامعه به استضعاف کشیده شده ایران نیست و باید از ابزار موجود یعنی قانون اساسی و نظم فعلی بهترین استفاده را برای کسب بهترین نتیجه کرد . ما از یک سیستم مستقر و نظم ظاهری برخوردار هستیم که برای استقرار آن هزینه های بالایی تا الان پرداخت شده و بیشتر این هزینه ها را هم همین مردم مستضعف پرداخت کرده اند امروز بعد از چهل و چهار سال حاکمیت این سیستم ، تناقضات ، نواقص و ایرادهای آن طاقت آحاد همین مردم را طاق کرده و متاسفانه مردم به دلیل همین هزینه هایی که پرداخت کرده اند حتی جرات بیان آن را هم ندارند .

بهترین مسیر برای تغییر وضع موجود تا امروز همین مسیری است که به تفصیل بیان شد و اگر جز این باشد باید آمادگی لازم برای پرداخت هزینه های جانی ، مالی و زمانی را در مردم ایجاد کرد که امری محال به نظر می‌رسد این را هم باید در نظر داشته باشیم که اگر قرار بر تغییر شاکله کلی و هویت و ماهیت نظام فعلی باشد ، قطعا حاکمیت فعلی یک زمین سوخته را تحویل سیستم بعدی خواهد داد جبهه گیری در مقابل این روش حکمرانی نیز که

منافاتی با اصل نظام و اصل ولایت فقیه هم ندارد توسط دو عده خواهد بود ، دسته اول که اتفاقا خیلی هم خودشان را انقلابی و معتقد می‌دانند و حتی حاضرند برای حفظ نظام و اصل ولایت فقیه که مصداق اخص آن از نظر این دسته ، شخص رهبر فعلی هستند ، جان امام زمان (عج) را هم فدا کنند و دسته دوم نیز که نظریه ولایت فقیه را یک نظریه کاملا اسلامی و شیعی میدانند ولی توجه ندارند که این نظریه فقط میتواند تا استقرار حکومت اسلامی قابل توجیه است و در زمان استقرار حکومت اسلامی این ولایت فقیه بایستی به همان کسی واگذار شود که دستور تبعیت از فقیه را صادر کرده است .

مجازات تحقیر کننده و توهین آمیز

وعده خدا در قرآن قطعی است و طبق آیه ۱۵۰ سوره نساء ، کسانی که بین اولیا الهی تبعیض قائل شده و ولایت افرادی غیر از خدا ، پیامبر و ائمه اطهار (ع) را پذیرفته باشند دچار مجازات توهین آمیز و تحقیر کننده خواهند شد . ولایت فقیه غیر معصوم در زمان استقرار حکومت اسلامی یعنی شریک قائل شدن برای ولایت خدا ، پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام و خداوند برای این موضوع در قرآن آیه ۱۵۱ سوره نساء وعده مجازات توهین آمیز داده است ، مجازاتی که طی سالهای گذشته مردم ایران به دفعات شاهد آن بوده اند

رفتار حکومت زیر نظر ولایت فقیه غیر معصوم ، با مردم خودش در موضوعات اقتصادی همچون جبران کسری بودجه از طریق افزایش نرخ ارز یا نوسان گیری در بورس را قوم یهود هم با فلسطینی‌ها نداشته است . به اعتراف تمام کارشناسان اقتصادی بانکهای حکومت اسلامی زیر نظر ولایت فقیه

سالهاست ورشکست شده اند و با افزایش نرخ ارز در حال چپاول ملت مسلمان **ایران** برای جبران کسری بودجه خود هستند رقم ورشکستگی بانکها و مقروض شدنشان به بانک مرکزی نشان دهنده آن است که افزایش نرخ ارز و به تبع آن " تورم تحقیر آمیز " به این زودی دست از سر ملت ایران برنخواهد داشت

اخیرا یکی از کارشناسان اقتصادی در رسانه ملی صراحتا عنوان میکند که دولت و مجلس با هماهنگی با هم تصمیم به این کار گرفته اند ولی نمیگویند که چطور و توسط چه کسانی سرمایه ملی غارت میشود اما همه میدانیم کار چه کسانی است و با همان پولها چه بلایی سر جوانان این مملکت آورده اند قطعا این چرخه شیطانی تا بودن چنین سیستمی به همین روند ادامه خواهد داد. پول نفت به صورت ارز خارجی وارد کشور میشود ، بانک مرکزی با پشتوانه یا بدون پشتوانه این ارزها پول ملی چاپ میکند و توسط بانکهای خصولتی از جیب مردم به اشخاص خاص وام میدهد . آنها هم با همان ریالها ، ارزهای نفتی را مجددا خریداری میکنند و به این صورت پول نفت که متعلق به مردم است اصلا به اقتصاد ایران وارد نمیشود و چون چاپ ریال بدون پشتوانه از سوی حاکمیت محدودیت ندارد ، بیشتر از درآمدهای نفتی پول چاپ میکنند که با این ترفند هم درآمدهای نفتی و هم دارایی های مردم به جیب این افراد سرازیر میشود ، تورم تحقیر آمیزی که طی این سالها شاهدش هستیم به خاطر چنین رویه ای بوده است این واقعیت یعنی حیای اقتصادی

وقتی در حکومت فقیه از بین رفته است البته خداوند متعال در قرآن سوره نساء می فرماید ؛

إِنَّ الَّذِینَ یَکْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَیُرِیدُونَ أَنْ یُفَرِّقُوا بَیْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَیَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَکْفُرُ بِبَعْضٍ وَیُرِیدُونَ أَنْ یَتَّخِذُوا بَیْنَ ذَلِکَ سَبِیلًا

کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند و می‌خواهند در میان آنها تبعیض قائل شوند، و می‌گویند به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم و می‌خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند...

با توجه به این آیه میتوان پیروان ولایت فقیه را که ولایت حضرت ولی عصر (عج) را در مقام عمل انکار نموده و در کنار ولایت خدا ، پیامبر و ائمه اطهار ، ولایت فقیه را نیز شریک قرار داده اند مصداق کافران به خدا و پیامبر عنوان نمود که طبق آیه بعدی وعده مجازات توهین آمیز به آنان داده شده است

أُولَئِکَ هُمُ الْکَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْکَافِرِینَ عَذَابًا مُهِینًا

آنها کافران حقیقی اند و برای کافران مجازات توهین آمیزی فراهم ساخته ایم.

حکومت فقیه غایب در عصر غیبت

مفهوم غیبت و حکومت فقیه غایب

مفهوم غیبت امام عصر (عج) بایستی به درستی برای مسلمانان تعریف و تبیین شود و این موضوع عنوان شود که آغاز دوران غیبت پس از شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام است

دوران غیبت مختص امام زمانی که تاکنون امکان تشکیل حکومت جهانی اسلامی را نداشته اند نیست بلکه هر کدام از معصومین که این امکان را به دست نیاورده اند نیز در دوران غیبت به سر برده اند

متاسفانه در تاریخ اسلام و دکترین مهدویت هیچگاه به دوران غیبت امام حسین تا امام حسن عسکری علیهم السلام که تمام طول عمر مبارک ایشان را

شامل میشود و امکان ظهور و تشکیل حکومت اسلامی برایشان فراهم نشده اشاره نمیشود چون حکومتهای طاغوت مانع از تصدی حاکمیت جامعه اسلامی از سوی این بزرگواران بوده اند این غیبت برای امام دوازدهم قرار نیست تا آخر عمر ایشان به طول بیانجامد و همانند اجداد بزرگوارشان حضرت رسول اکرم ، امام علی و امام حسن علیهم السلام قطعا حکومت را از دست طاغوت پس خواهند گرفت و این حکومت را تا جهانی شدن آن ادامه خواهند داد . هر حکومتی که در حال حاضر بر روی این کره خاکی مستقر شده طاغوتی است مگر اینگه در قانون اساسی خود مراحل تحویل حاکمیت به صاحب اصلی آن را فراهم نموده و موانع حقوقی این موضوع را برطرف نماید

جای بسی شکر است که نظام حاکم در کشور ایران تمام شرایط لازم برای تحویل مسالمت امیز حکومت و رهبری جامعه تحت عنوان ولایت فقیه را به حضرت ولی عصر (عج) دارد و هر روز تاخیر در این امر عواقب جبران ناپذیری برای مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت نظام جمهوری اسلامی زمینه ساز ظهور خواهد شد به شرطی که خودش بخواهد چون این پتانسیل را در قانون اساسی خود دارد اما با وجود انتخاب اشتباه در فقیه جامع الشرایط به عنوان رهبر و ولی فقیه ، خودش بزرگترین مانع ظهور شده و مادامی که کرسی ولایت فقیه را به آن حضرت ندهد نمیتواند زمینه ساز ظهور باشد

میانِ عاشـــق و معشوق هیچ حائل نیـــــست
تو خود حجابِ خودی حافظ از میان برخیز

آیا پسوند یا پیشوند میتواند شاخه جدیدی به ولایت اضافه کند ؟

جایگاه ولایت و رهبری جامعه مخصوص امام عصر (عج) است و اینکه با پسوند فقیه در عصر حاضر یا هر عنوان دیگری که پس از رحلت حضرت رسول اکرم تحت عناوین دیگر مسبوق به سابقه است بخواهیم شاخه جدیدی به آن اضافه کنیم بدعت و باطل است

یکی از شئون حضرت جایگاه فقاهت ایشان است و مسأله غیبت خوشبختانه به عنوان یک معذوریت در قانون اساسی جمهوری اسلامی به عنوان یک ظرفیت قانونی قابل پیگیری پیش بینی شده است . در شرایط معذوریت ولی فقیه و رهبر ، وظایف ایشان به شورایی متشکل از رئیس جمهور ، رئیس قوه قضائیه و یک فقیه شورای نگهبان محول میشود تا این معذوریت رفع شود

طبق آیه ۲ سوره بقره نیز نخستین ویژگی انسان با تقوی ایمان به ولایت و امامت حضرت ولی عصر (عج) در شرایط غیبت است انسانی که به مقام هدایت نائل شده

چیدمان آیات قرآن در راستای فهم کامل مهدویت

چیدمان آیات قرآن نیز در راستای فهم مهدویت و مساله ظهور انجام شده است . میان بعثت حضرت رسول اکرم و ظهور منجی ، ارتباط معنی داری وجود دارد و چیدمان آیات قرآن در راستای فهم مهدویت و مساله ظهور حضرت ولی عصر (عج) صورت گرفته است . اگر تاریخچه نزول قرآن کریم

و ترتیب نزول آن را مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دریافت که محتوای سوره حمد و آیه "اهدنا الصراط المستقیم" مطالبه هدایت از سوی خداوند متعال به واسطه حضرت مهدی است که در آیه نخست سوره بقره و فراز "هدی للمتقین" شاهد استجابت این دعا و رسیدن به درجه تقوی از سوی وی هستیم . در فراز "الذین یومنون بالغیب" با توجه به احادیث موجود و تفاسیر ائمه معصومین علیهم السلام ، نخستین ویژگی انسان هدایت شده و متقی ، ایمان به امام غایب ذکر شده است که ارتباط معنایی آیات سوره حمد و سوره بقره را به صراحت روشن مینماید .این نکته به ما یادآوری میکند که باید آیات قرآن را بر اساس این نگاه بازخوانی کنیم

نتیجه ی ادعای فقاهت و تابعیت ایران برای امام عصر (عج)

اولیا الهی در طول تاریخ هیچ اصراری بر حکومت نداشته اند و پذیرش مردم شرط لازم است کما اینکه حضرت علی علیه السلام آن را از آب بینی بز هم کم ارزش تر می‌دانست ولی در ادامه همین سخنان خود فرموده اند مگر حقی را برقرار کنند یا از بروز ظلمی جلوگیری نمایند

اینکه در اکثر دادگاهها حق به حق دار نمیرسد به دلیل عدم توانایی قاضی در شناخت حق است چه بسیار وکلایی که حق را برای قاضی ناحق و ناحق را حق جلوه می‌دهند جایگاه ولایت معصوم از این جهت بهترین گزینه برای حکومت است که خود میزان حق است

نتیجه ی ادعای فقاهت ، ولایت و مطالبه اعطای تابعیت ایران برای امام عصر (عج) که طبق آیات قرآن و قانون اساسی کشور صورت گرفته و ذکر این موضوع که در عصر غیبت نیازی به نیابت شخص دیگری در نظام جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان ولایت فقیه نیست و ایمان به ولایت حضرت ولی عصر (عج) بر ایرانیان در زمان غیبت و دوران استقرار حکومت اسلامی کفایت میکند تا این لحظه برای مولف این کتاب چیزی جز توبیخ اداری و تنبیه انضباطی از جمله کسر گروه شغلی و تقلیل حقوق و دستمزد نبوده است البته نویسنده این کتاب هم آبرو و مال و جان خود را کف دست خود گذاشته و برای این ادعا و پیگیری تا اجرایی شدن آن از هیچ تلاشی فروگذار نیست

پرسش و پاسخ

در جلسات متعددی که طی سالهای اخیر با منتقدین این روش حکمرانی در عصر غیبت برگزار شده است ، بارها اثبات شده طبق قانونی که هم اکنون در کشور جاری و ساری است رهبر فعلی یا هر شخص دیگری که تحت عنوان ولی فقیه جایگزین ایشان شوند قانونا هیچ سمتی ندارند چون فقیه جامع الشرایط شخص امام زمان (عج) هستند .

پرسش : ایشان که ایرانی نیستند !

پاسخ : طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی چون مادر امام سجاد ایرانی بوده است ، امام سجاد و نسل ایشان هم ایرانی هستند و باید دولت نسبت به صدور شناسنامه و ثبت هویت ایرانی برای همه آنها از جمله امام مهدی (عج)

اقدام نماید هرچند هیچ تقاضایی از سوی صاحب این حقوق در مراجع ثبت و ارائه نشود

پرسش : امام زمان علیه السلام غایب است !

پاسخ : طبق آیه ۲ سوره بقره اولین نشانه انسان متقی ایمان به ولایت امام غایب است

پرسش : شیعیان که در عصر غیبت به ایشان دسترسی ندارند !

پاسخ : اولا ملاک دسترسی ، ایشان هستند که الحمدلله برقرار است ثانیا این بهانه یکی از نشانه های مشرکین است که وقتی به خدا و ولی خدا دسترسی ندارند به دنبال جایگزین میروند

پرسش : در عصر غیبت کارهای رهبر را چه کسی باید انجام بدهد !

پاسخ : اولا الان حکومت اسلامی مستقر شده و شرایط با پیش از آن تفاوت ماهوی دارد ثانیا اصل ۱۱۱ قانون اساسی میگوید وقتی رهبر معذوریت داشت شورای سه نفره متشکل از سه شخصیت حقوقی شامل رییس جمهور منتخب مردم رییس قوه قضاییه و عضو شورای نگهبان کارها را انجام میدهند تا معذوریت رهبر که اینجا همان غیبت ایشان است برطرف بشود

ظهور حاصل انتظار نیست ، یک انتخاب است

بر اساس منطق حاکم بر محتوای کتاب فقیه غایب ، هر فقیهی که خود را برای کرسی ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران آماده کرده باشد باید بداند ، اگر میخواهد در این کشور مسئولیتی تحت ولایت حضرت ولی عصر (عج) داشته باشد بهتر است حد خود را بداند و حداکثر به فکر شرکت در انتخابات ریاست جمهوری باشد یا آمادگی خود را برای کسب کرسی ریاست قوه قضائیه حفظ نماید

تمام مرزبندی‌های موجود اعم از ملیت ، نژاد ، قومیت ، دین ، مذهب ، رنگ ، تابعیت و .... حاصل عقل ناقص بشر بوده که نتیجه آن هم بعد از این همه جنگ و خونریزی به جای باز کردن گره ، یک کلاف بی سر و ته شده لذا امام زمان علیه السلام نیازی به اینکه تابعیت ملیت خاصی را داشته باشند یا دارای شخصیت حقیقی و حقوقی باشند ندارند بلکه این نظام‌های سیاسی و قانونگذاران هستند که باید قوانین منطقه خود را طوری طراحی کنند که ایشان در راس امور قرار بگیرند و خوشبختانه قانون اساسی کشور ما این ظرفیت را دارد که از اصل ولایت فقیه برای احقاق حق امام عصر (عج) استفاده کند . اگر واقعا طالب ظهور هستیم لااقل خودمان را از سر راه ایشان برداریم . اعطای تابعیت ایران به حضرت ولی عصر (عج) پیش زمینه انتقال کرسی ولایت فقیه به ایشان و رهبری ایران توسط آن حضرت خواهد بود

آن یکـــــــــی آمــد دَرِ یاری بِـــــــــزَد
گفت یارش کیــــــــــــــستی ای مُعْتَمـَد؟
گفـت من، گُفتَــــــــش بُرو هنگامْ نیسـت
بر چُنیـن خوانی مُقامِ خـــــــــــامْ نیسـت
خام را جُـــــــــــــــز آتشِ هَجْر و فِراق
کی پِزَد؟ کی وا رَهانَد از نِفـــــــــــــاق؟
رفت آن مِســــــــــــْکین و سالی در سَفَر
در فِراقِ دوست سوزید از شَــــــــــــــرَر
پُخته شُــــــــــــد آن سوخته، پس بازگشت
باز گِردِ خانه اَنـــــــــــــــــــباز گشت
حَلْــــــــــــقه زد بر دَر به صد ترس و اَدَب
تا بِنَجْهَد بی‌اَدَب لَفْظـــــــــــــــــی زِ لـب
بانــــــــــگ زد یارش که بر دَر کیسـت آن؟
گفت بر دَر هم تویی ای دِلْســـــــــــــتان
گفـــــــــــت اکنون چون مَنی، ای مـن دَر آ
نیست گُنجایی دو مـن را در ســــــــــــَرا[1]

---

[1] مثنوی معنوی ، دفتر اول

ظهور فقط حاصل انتظار نیست ، یک انتخاب هم هست و جایگاه ولایت در این انتخاب که حاصل یک انتظار منطقی است تحت هر عنوانی متعلق به حضرت ولی عصر خواهد بود

چه کسی به سرچشمه فقه جعفری نزدیکتر است ؟ طبق قانون مصوب مجلس ، قوه قضائیه و دولت موظف بوده اند تا مشخصات حضرت ولی عصر (عج) را طی سالهای گذشته به عنوان شخصیت حقیقی ثبت نموده و برای ایشان شناسنامه ایرانی صادر کنند و سپس آن حضرت را به عنوان یک شخصیت حقوقی به عنوان ولی فقیه در نظام اسلامی به رسمیت بشناسند .

یک فرد زنده ایرانی و فقیه به شما معرفی شد که ولایت او را خدا مشخص کرده است قانون اساسی هم در شرایط معذوریت ولی فقیه مشخص کرده امور رهبری تا رفع معذوریت ایشان چگونه انجام شود . البته ذکر این موضوع در پاسخ به افرادی است که بهانه غیبت و ایرانی نبودن را دلیل عدم انتخاب امام عصر به عنوان ولی فقیه و رهبر در ایران ذکر میکنند چراکه ولایت امام معصوم بر تمام مردم دنیا است نه فقط ایرانیان اما قانون اساسی فعلی ایران این ظرفیت را دارد تا امام معصوم را به عنوان ولی فقیه و رهبر جامعه به مردم معرفی کند و خوشبختانه هیچ مانعی برای عدم انتخاب امام عصر (عج) به عنوان ولی فقیه در ایران وجود ندارد .

امام زنده عصر حاضر کیست ؟ آیا وقتی امام حسن (ع) در قید حیات بود امام حسین (ع) ادعای امامت داشت ؟ به فرض محال ، فقیه مورد نظر

پیروان ولایت فقیه و ذوب شدگان در ولایت ایشان ، جایگاهی همچون امام حسین و در حد عصمت داشته باشد . وقتی امام زمان این فقیه زنده است چگونه ادعای ولایت و امامت دارد ؟!

موانع پذیرش ولایت فقیه معصوم غایب

باید اعتراف کرد علاوه بر ضعف ایمان ، عدم داشتن تقوی ، تملق و چاپلوسی ، ترس از جان و مال و آبرو و جهل و نادانی نسبت به قوانین جاری کشور و آیات و روایات پنج عامل مهمی هستند که مانع پذیرش ولایت حضرت ولی عصر (عج) در حکومت جمهوری اسلامی ایران به عنوان بالاترین مقام اجرایی کشور و صاحب کرسی ولایت فقیه شده است

۱) ضعف ایمان و عدم داشتن تقوی
۲) تملق و چاپلوسی
۳) ترس از جان و مال و آبرو
۴) منافع مادی و معنوی از حفظ شرایط فعلی
۵) جهل و نادانی نسبت به قوانین جاری کشور و آیات و روایات

بررسی چگونگی تعامل نظام با امام عصر (عج)

آیا نظام مستقر در ایران در عصر حاضر مورد تایید حضرت ولی عصر (عج) است ؟ اگر این نظام و حکومت مورد تایید ایشان است تمام حقوق تعریف شده در آن از جمله حق تابعیت و کرسی ولایت فقیه نیز به ایشان

تعلق میگیرد و ایشان هم ملزم به تبعیت از تمام قوانین آن خواهند بود اگر هم این نظام مورد تایید ایشان نیست که صحبتی باقی نمی‌ماند و جایی برای بحث نیست . یادمان باشد مردمی که بهانه عدم دسترسی به خدا را داشتند سراغ بت پرستی رفتند و مردمی که عدم دسترسی به امام معصوم را بهانه کرده اند سراغ چه چیزی رفته اند ؟

تناقضها و تضادهای اعتقادی پیروان نظریه ولایت فقیه

تشریح تضادهای موجود در اعتقادات مریدان ولایت فقیه غیر معصوم که باید پاسخگو باشند

تضاد اول ؛ چرا در شرایط استقرار حکومت اسلامی ، بالاترین مقام حقوقی کشور امام مهدی (عج) نیست !

تضاد دوم ؛ چرا در شرایط حیات امام و ولی معصوم ، یک فقیه غیر معصوم ادعای ولایت و امامت دارد !

تضاد سوم ؛ چرا با توجه به شرایط انتخاب رهبری در قانون اساسی ، امام عصر را با توجه به دارا بودن تمام شرایط به عنوان فقیه جامع الشرایط و ولی فقیه و رهبر رسمی جامعه قبول ندارند !

تضاد چهارم ؛ چرا با توجه به قوانین کشوری که متعلق به امام زمان است ، حق تابعیت ایران را برای امام عصر قبول ندارند !

تضاد پنجم ؛ چرا ساختار فعلی نظام را متعلق به امام زمان میدانند ولی ایشان هیچ جایگاه حقوقی و حتی جایگاه حقیقی در این ساختار ندارند !

تضاد ششم ؛ مبنای علمی ولایت فقیه غیر معصوم ، حدیث رجوع به راویان احادیث است با توجه به اینکه این حدیث در دوران حاکمیت طاغوت از ناحیه معصوم صادر شده است چرا در شرایط استقرار حکومت اسلامی که شرایط جامعه کاملا فرق میکند این حدیث ملاک عمل این افراد است

تضاد هفتم : در حدیث صحیح دیگری مشخصات فقیه مورد نظر امام معصوم ، اطاعت از امر مولا ذکر شده است که خود دلیلی بر غیر قابل تنفیذ بودن ولایت امام معصوم به فقیه دارد ! با این وجود چرا بدون هیچ سندی ولایت را به فقیه واگذار کرده اند ؟

تضاد هشتم ؛ اولین شرط تقوی در سوره بقره ، ایمان به ولایت امام غایب ذکر شده است چرا دلیل تبعیت از فقیه غیر معصوم را غیبت امام زمان ذکر میکنند !

و ....

پرچمهای هدایت خراسان

ولایت فقیه مقدمه پذیرش ولایت فقیه غایب

متاسفانه پیروان نظریه ولایت فقیه علی رغم تمام شعارهایی که میدهند از یک طرف جایگاه امام معصوم را تا حد الوهیت بالا برده اند به گونه ای که مناسبات اجتماعی را دون شأن ایشان عنوان میکنند و از طرف دیگر نیز مقام قراردادی ولایت برای فقیه را تا جایگاه امام معصوم بالا برده اند و در این ولایت ساختگی آنچنان ذوب شده اند که چیزی برای امام معصوم و ولی حقیقی خود باقی نگذاشته اند

همانگونه که انسان ظرفیت فهم و پذیرش قرآن را نداشته و ندارد و خداوند متعال قرآن را نازل میکند تا برای انسانها آن هم با کمک ولایت معصومین علیهم السلام قابل فهم و استفاده قرار بگیرد میتوان گفت همین انسانها ظرفیت پذیرش ولایت ائمه اطهار را هم نداشته و ندارند و خداوند متعال بایستی ۱۲۰۰ سال پس از غیبت و ایجاد زمینه های لازم برای فهم و پذیرش ولایت معصوم با استقرار حکومت اسلامی ، آن را در حد ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی آن تنزل می داد در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران و در حضور و حیات امام عصر (عج) فقیهی هم که کرسی ولایت فقیه را بپذیرد بلافاصله از شرایط یک فقیه عادل عدول میکند و ولایتش باطل خواهد شد

ناگزیر منتظران حقیقی حضرت ولی عصر (عج) در دوران استقرار حکومت اسلامی در ایران باید به وسیله روشنگری تلاش کنند تا کرسی ولایت فقیه توسط مجلس خبرگان یا ولی قراردادی فقیه به صاحب اصلی آن یعنی حضرت امام زمان (عج) واگذار گردد البته بزرگترین و مهمترین چالش برای نظام مبتنی بر اصل ولایت فقیه ، عدم واگذاری قانونی و شرعی این کرسی به صاحب اصلی آن حضرت ولی عصر (عج) است. غیبت ، نه تنها مانعی برای واگذاری این حق به آن حضرت ایجاد نکرده است بلکه با استناد به آیه شریفه "ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین الذین یومنون بالغیب ... " هدایت ، تقوی و ایمان منتظران مشروط به آن ذکر شده است

شرایط جغرافیایی و نظام سیاسی حاکم بر منطقه خراسان در عصر ظهور

اشاره به پرچمهای خراسان در احادیث موثق و معتبر از سوی ائمه اطهار علیهم السلام بیانگر چند نکته مهم و روشنگر است که به صورت مختصر به آن خواهیم پرداخت با توجه به دقت ائمه اطهار علیهم السلام در بیان نامها میتوان گفت منطقه خراسان به عنوان بخشی از سرزمین ایران در عصر ظهور حضرت ولی عصر (عج) دارای یک حکومت مستقل و مجزا از سرزمین ایران خواهد بود و یکی از عوامل مهم جدایی نظام سیاسی در منطقه خراسان از حکومت مرکزی در ایران میتواند پذیرش واگذاری کرسی ولایت فقیه به حضرت مهدی از سوی مردم این منطقه باشد

از آنجا که نظام مستقر فعلی در ایران علاوه بر سپاه خراسان دارای لشکرهای متعددی همچون سپاه تهران ، سپاه یزد ، سپاه اصفهان ، سپاه خوزستان ، سپاه کرمان ، سپاه سیستان ، سپاه کردستان ، سپاه آذربایجان و .... می‌باشد که در مواجهه با سپاه سفیانی در مرزهای غربی ، بسیار نزدیکتر و موثر تر عمل خواهند کرد ، لذا اشاره به سپاه خراسان از سوی ائمه اطهار (ع) که در احادیث مربوط به شرایط پیش از ظهور به کرات به آن پرداخته شده است که هم از لحاظ فاصله و هم تعداد نیرو نسبت به سایر مناطق بسیار ضعیف تر است میتواند دلیلی بر جدایی این منطقه از قدرت مرکزی حکومت ایران در تصمیم گیری و فرماندهی باشد

همانطور که قبلاً هم ذکر شد ذکر نام مناطق جغرافیایی در احادیث مربوط به عصر ظهور و سایر احادیثی که از ناحیه ائمه اطهار موجود هستند آنچنان دقیق است که هیچ گاه نمیتوان حتی با اغماض واژه خراسان را مترادف با کل کشور ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران دانست

جایی که نام مناطق کوچک ، بزرگ ، دور افتاده و یا مطرحی مثل قرقیسیا ، پشت کوفه ، ساوه ، طالقان ، ری ، قم ، اصفهان ، اهواز و .... با دقت ذکر میشود نمیتوان انتظار داشت مراد از ذکر منطقه خراسان در حدیث موثقه جابر و سایر احادیث معتبر کل منطقه ایران باشد چه برسد به اینکه مراد از آن را نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل ولایت جعلی فقیه بدانیم

هرچند به فرض یکپارچگی سیاسی منطقه ایران در عصر ظهور نیز اعزام سپاه خراسان برای یاری حضرت ولی عصر در مواجهه با سفیانی را میتوان ناشی از کوچک شمردن و ساده انگاشتن این موضوع در نگاه سران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران دانست چرا که پیش از سپاه خراسان سایر نیروهای تحت امر حکومت مرکزی از جمله سپاه خوزستان ، اصفهان ، کرمان ، یزد ، فارس و سایر مناطق ایران برای یاری آن حضرت هیچ اقدامی انجام نداده اند که نوبت به سپاه دورتر و ضعیفتر خراسان رسیده است

مگر نه اینکه سایر مناطق ایران از لحاظ جغرافیایی به منطقه نبرد نزدیکتر هستند و سریعتر می‌توانند خودرا به معرکه برسانند در بخشی از حدیت موثقه

جابر آمده است « ... فَبَیْنَا هُمْ کَذَلِکَ إِذْ أَقْبَلَتْ رَایَاتٌ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ وَ تَطْوِی الْمَنَازِلَ طَیّاً حَثِیثاً وَ مَعَهُمْ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ

در وضعیتی که آنان بر این حالند، ناگاه پرچم هائی از جانب خراسان پدیدار می شوند که پرچمداران آن، منازل و فواصل را شتابان می پیمایند، در حالی که در میان آنان، افرادی از اصحاب قائم (عج) حضور دارند

با مداقه در این بخش از حدیث موثقه جابر در خصوص وقایع پیش از ظهور با این مضمون که سپاه خراسان که از حیث اتخاذ تصمیم های سیاسی و نظامی مستقل از حکومت مرکزی در منطقه ایران است فاصله خراسان تا مرزهای غربی در ایران را جهت یاری حضرت ولی عصر در نبرد با سفیانی با شتاب و عجله خواهند پیمود میتوان به این پیام مهم پی برد که عدم توقف سپاه خراسان در منازل بین راه از جمله سمنان ، تهران ، یزد ، اصفهان ، فارس ، کردستان ، لرستان ، همدان ، خوزستان و ... نه تنها به خاطر جبران عقب ماندگی از یاری حضرت ولی عصر (عج) است بلکه بیشتر به خاطر ممانعت نظامهای سیاسی و حکومت های مستقر در این منازل از استقرار و استفاده لجستیکی سپاه خراسان از امکانات و مرزهای آنان خواهد بود که باعث اتلاف وقت و هدر رفتن فرصتها شده است

یک نکته دیگر در خصوص پرچمهای خراسان

تمام این تحلیلها با این فرض منتشر شده است که منظور از واژه خراسان در روایت موثقه جابر همین منطقه ای است که هم اکنون به صورت رسمی در تقسیمات کشوری و استانی و بین المللی به نام خراسان نامگذاری شده است

در صورتیکه در زمان های نه چندان دور خراسان بزرگ علاوه بر شمال شرق ایران ، شامل بخشهایی از کشورهای افغانستان ، ترکمنستان و حتی تاجیکستان هم میشده است با این حال احتمال اینکه مناطق یاد شده مراد از منطقه خراسان در روایات و احادیث باشد با توجه به مناسبات اجتماعی ، سیاسی و مذهبی حاکم و رایج بر این مناطق در عصر حاضر را نمیتوان آنچنان جدی گرفت مگر اینکه اتفاقات و تحولات آینده ، این مناطق را نیز به احتمال نزدیک تر نماید

ثبات سیاسی با واگذاری کرسی ولایت فقیه به امام عصر

مخاطبان این کتاب غالبا از قشر دانشجو ، طلبه و اساتیدی خواهند بود که پیگیر نظرات پیرامون نظریه ولایت فقیه ، نوع حکمرانی و مباحث سیاسی مرتبط با این موضوع هستند متاسفانه در نگاه برخی از این افراد ، جمع بین غیبت و واگذاری کرسی ولایت فقیه به امام غایب امری محال فرض میشود و متاسفانه با همین فرض اشتباه بلافاصله در برابر این مدل حکمرانی موضع گیری میشود ، نگرانی منتقدین به خاطر ترس از ایجاد خلأ سیاسی و مدیریتی در نظام مبتنی بر اصل ولایت فقیه در واگذاری این کرسی به امام غایب کاملا مشهود است که خوشبختانه این نگرانی و ترس به دو دلیل بی مورد خواهد است

اولا طبق اصول دین مبین اسلام ، مذهب تشیع و آیات قرآن کریم

، ایمان به امام غایب از سوی جامعه اسلامی در شرایطی که حکومت اسلامی مستقر شده است با واگذاری بالاترین مقام تحت عنوان ولایت فقیه به حضرت ولی عصر (عج) جامه عمل خواهد پوشید

و ثانیا طبق قانون اساسی فعلی در جمهوری اسلامی احتمال معذوریت برای ولی فقیه در انجام وظایف حکومتی پیش بینی شده که در مورد حضرت ولی عصر (عج) در جایگاه ولایت فقیه و رهبری جامعه اسلامی این معذوریت همان غیبت ایشان است که در این دوران که مدت آن نیز کاملا نامعلوم و بر اساس اراده خداوند متعال خواهد بود وظایف رهبری بر عهده سه شخصیت حقوقی خواهد بود

- رئیس جمهور منتخب مردم که میتواند یک فقیه باشد
- رئیس قوه قضاییه که بایستی یک فقیه باشد
- یک عضو فقیه شورای نگهبان

لذا نگرانی از ایجاد خلأ سیاسی و مدیریتی در نظام مبتنی بر اصل ولایت فقیه با واگذاری این کرسی به ولی فقیه معصوم غایب ، کاملا بی اساس و به دور از منطق و عقل است . برخی افراد نیز مدل حکمرانی مبتنی بر ولایت فقیه معصوم غایب را مخالف با نظام جمهوری اسلامی ایران ، اصل ولایت فقیه مندرج در قانون اساسی و شخص رهبر فعلی معرفی نموده و واگذاری کرسی ولایت فقیه به حضرت ولی عصر (عج) را در تضاد با آن عنوان میکنند

که در این خصوص نیز باید گفت مطالبه واگذاری کرسی ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران به حضرت ولی عصر (عج) نه تنها مخالفت با این نظام و انقلاب نیست بلکه باعث قوام و کمال و ثبات این نظام و پیروزی کامل انقلاب اسلامی در ایران خواهد بود و هیچ منافاتی با اصول انقلابی و اسلامی حاکم بر ایران نخواهد داشت چرا که از ابتدای انقلاب اسلامی به رهبری یک حکیم و فقیه فرزانه ، واگذاری حکومت به حضرت ولی عصر (عج) به عنوان هدف نهایی این انقلاب معرفی شده است

نتایج واگذاری کرسی ولایت فقیه به حضرت ولی عصر (عج)

منتظران راهی جز واگذاری کرسی ولایت فقیه به حضرت ولی عصر (عج) در عصر حاضر ندارند این اقدام نه تنها زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم و تسهیل می‌کند بلکه نظام جمهوری اسلامی ایران را در برابر حوادث و فتنه های پیش رو بیمه خواهد کرد عدم واگذاری کرسی ولایت فقیه به صاحب اصلی مقام ولایت در عصر حاضر که حکومت اسلامی در کشور ایران مستقر شده است نه تنها خیانت به اسلام و آرمانهای انقلاب است بلکه به مرور باعث از هم پاشیدگی حکومت اسلامی و نظام جمهوری در ایران خواهد شد بدیهی است در چنین شرایطی استکبار جهانی در صدد ایجاد حکومت شیطانی خود در این سرزمین برآمده و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد برای جلوگیری از هرج و مرج در کشور و بروز فتنه های پیش رو که همزمان با انتخاب ولی فقیه بعدی ارکان مختلف نظام را تحت تاثیر قرار

خواهد داد ، البته برای رسیدن به تمامی این اهداف واگذاری کرسی ولایت فقیه به حضرت ولی عصر (عج) حتی الامکان باید در زمان حیات رهبر فعلی انجام بپذیرد و از موکول کردن آن به آینده به شدت جلوگیری شود

برای اینکه امروز کرسی ولایت فقیه به امام عصر واگذار شود نیازی به حضور ایشان نیست که لازم باشد به زمان ظهور هم علم پیدا کنیم ، غیبت یک معذوریت برای ولی فقیه معصوم است و طبق قانون اساسی کاملا واضح مشخص شده که وظایف رهبری در زمان معذوریت ولی فقیه بر عهده سه شخصیت حقوقی مندرج در این اصل است بهتر است به جای اینکه سلسله فقیهان در دوران غیبت ایجاد کنیم ، همان ابتدا کرسی ولایت فقیه را به آن حضرت واگذار کرد و با توجه به غیبت ایشان ، وظایف رهبری را هم به سه شخصیت حقوقی مندرج در اصل ۱۱۱ قانون اساسی محول نمود

بر اساس روش حکمرانی "ولایت فقیه معصوم غایب " می‌شود شاکله اسلامیت نظام را حفظ کرد، اما آن را بر اساس جمهوریت (قوانین مدنی) اداره کرد. ضمن این‌که با این شیوه عملا اهانتی به هیچ مقام دینی نمی‌شود ، بنابراین رضایت متدینین وابسته به حکومت هم جلب خواهد شد ضمنا علما و مراجع هم فی‌نفسه نمی‌توانند مخالفتی با اصل این نوع از حکومت در زمان غیبت داشته باشند و از همه مهم‌تر این‌که هزینه‌های سنگین براندازی و تغییر نظام هم حذف خواهد شد.

در واقع در این شیوه حکمرانی ، رهبری جامعه در عصر غیبت و معذوریت حضرت ولی عصر (عج) در انجام امور رهبری به استناد اصل ۱۱۱ قانون اساسی به یک شورا سپرده می‌شود که چون سمت اجرایی دارند ، مجبور خواهند بود در قبال تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند نیز به مردم پاسخگو باشند

- ✓ رضایت اکثریت آحاد جامعه اسلامی و شیعی
- ✓ رضایت پیروان ولایت فقیه
- ✓ رضایت پیروان جامعه دمکراتیک
- ✓ پایین آوردن هزینه‌های تغییر سیاست و نظام حاکم
- ✓ احترام به اصول دین و مذهب
- ✓ پاسخگو کردن مقام اول حکومت

شش نتیجه مهم واگذاری کرسی ولایت فقیه به حضرت ولی عصر (عج) در دوران غیبت خواهد بود

چگونه میشود نظام فعلی حاکم در ایران را مستقر دانست در عین حال آنرا بدون حضور ولایت فقیه فرض کرد ؟! تا ولایت فقیه هست ، تبعات حکومت او هم وجود خواهد داشت ، حفظ این نظام هم بدون ولایت فقیه غیر ممکن است پس هر آلترناتیوی برای نظم فعلی ، باید حول حفظ اصل ولایت فقیه تدوین شود و تنها مسیر منطبق بر اصول این نظام که خواست اکثریت جامعه را هم برآورده می‌کند و در عین حال بدون هزینه و یا کم هزینه خواهد بود ، واگذاری کرسی ولایت فقیه به صاحب اصلی ولایت است

اتممت علیکم نعمتی

اتممت علیکم نعمتی .... حرف به حرف و کلمه به کلمه این فراز از آیه شریفه سوره مائده با نظریه ولایت فقیه در تضاد است چراکه نظریه ولایت فقیه تبصره ایست بر نعمتی که خداوند متعال در روز غدیر آنرا کامل و تمام شده و بدون نقص توسط پیامبر اکرم معرفی و ابلاغ آنرا شرط قبولی رسالت آن حضرت بیان میکند با این حال در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی هیچ منعی برای واگذاری حق ولایت تحت عنوان ولایت فقیه به امام عصر وجود ندارد همچنین ایمان به امام غایب نخستین شرط تقوی و مهمترین ویژگی کسانی است که تقاضای هدایت در صراط مستقیم را دارند

هرچیزی را نمیتوان به عنوان تداوم رهبری امامان معصوم به مردم معرفی کرد پیروان ولایت فقیه بهتر است ابتدا به جای سفسطه و مغلطه ، عبارت " اتممت " در آیه غدیر و " مطیع لامر مولاه " در کلام امام عسکری را هضم کنند سپس برای رهبری امامان معصوم دنباله ایجاد کنند ، مهمترین مبانی پیروان نظریه ولایت فقیه عبارتست از ؛

۱) آیه غدیر
۲) توقیع رجوع

در آیه غدیر که ذکر عبارت "اتممت" حجت را بر بنی بشر برای ایجاد دنباله برای سلسله ولایت از هر نوع از جمله " ولایت فقها " تا قیام قیامت

تمام کرده است در توقیع رجوع هم با مراجعه به حدیث امام حسن عسکری و عبارت " مطیع لامر مولاه" مهمترین مشخصه فقیه اطاعت از ولایت عنوان شده است به فرض محال اگر هم نظریه ولایت فقیه را بتوان اثبات کرد چرا این مقام به خود امام عصر تعلق نداشته باشد چه نفعی و برای چه کسانی در واگذاری این مقام به غیر معصوم آن هم در زمان حیات امام معصوم وجود دارد ؟! العاقل یکفیه الاشاره

واگذاری کرسی ولایت فقیه به حضرت ولی عصر (عج) میتواند زمینه ساز ظهور واقع شود و از بسیاری از فتنه های پیش رو هم جلوگیری کند آیا در زمان حیات امام حسن علیه السلام ، برادر معصوم ایشان یعنی امام حسین علیه السلام می‌توانست ادعای امامت و ولایت داشته باشند ؟! حال اینکه انتهای سلسله ولایت و امامت در روز غدیر با عبارت «اتممت» بسته شده است هیچ شخصی حتی اگر مقام عصمت هم داشته باشد نمی‌تواند در زمان حیات امام عصر (عج) ادعای ولایت و امامت داشته باشد ، هیچ تفاوتی هم در نوع ولایت نیست و ولایت تحت هر عنوانی از جمله ولایت فقیه فقط مختص امام عصر (عج) است امت اسلامی هیچ وقت بدون ولی رها نشده که ما نوعی از ولایت را برای او ایجاد کنیم ، آیا با ایجاد یک ولایت تحت عنوان ولایت فقیه ، در کار خدا دخالت نشده ؟

معنی ایجاد کرسی ولایت فقیه در زمان حیات امام عصر (عج) این میشود که خداوند متعال العیاذ بالله یادش شده امام دوازدهم قرار است غیبتی طولانی

هم داشته باشند خیلی درک این موضوع سخت نیست که ولی فقیه می‌تواند و باید همان ولی معصوم باشد چون هم فقیه تر از علمای حاضر هستند هم ولایت ایشان مستند تر است ، مشکل از اینجا نشات میگیرد که طی دوران غیبت تعریف درستی از غیبت توسط متفکرین به مردم ارائه نشده وقتی روزی ده بار واجب است آیه اهدنا الصراط المستقیم را بگوییم باید رد و مسیر این آیه را تا اخر قرآن پیگیری کنیم

صراط الذین انعمت علیهم غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین
الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا
ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین الذین یومنون بالغیب و یقیمون الصلوه

تعریف ما از ولایت فقیه با تعریف حکومت فعلی از ولی فقیه فرق دارد ، سیستم و نظم فعلی درست است اما یک کرسی بدون دلیل به راس آن اضافه شده است برای اثبات ولایت امام عصر و واگذاری حق ایشان لزومی به علم زمان ظهور نیست امام عسکری در خصوص مشخصات فقیه فرمود مطیعا لامر مولاه ... یعنی فقیه باید مطیع امر مولای خودش باشد حالا چطور فقیه می آید و ادعای ولایت می‌کند ؟

ولایت امام معصوم با غیبت از بین نمیرود بلکه غیبت وسیله آزمایش مردم است ، امر خدا ولایت امام عصر بوده نه ولایت فقیه غیر معصوم پس شخص اول در حکومت اسلامی همان ولی عصر (عج) هستند ، فقیه عادل هم پس از

استقرار حکومت اسلامی باید کرسی ولایت فقیه را به صاحب اصلی آن واگذار کند اولی الامر کسی است که با رای مردم انتخاب میشود در زمان معذوریت ولی فقیه و رهبر ما که همان امام عصر هستند یکی از اشخاصی که وظایف رهبری را انجام میدهد رئیس جمهور هستند متاسفانه ما مفهوم ولی و اولی الامر را با هم یکی در نظر می‌گیریم اولی الامر لزوما ولی نیست اما ولی حتما اولی الامر خواهد بود اینکه رهبر و ولی فقیه خود امام عصر باشد و در دوران غیبت ایشان وظایف رهبری را سه شخص حقوقی مندرج در اصل ۱۱۱ قانون اساسی بر عهده داشته باشند هیچ خلأ سیاسی و قانونی به وجود نخواهد اورد

ولایت فقیه از امور الهی نیست اما ولایت امام عصر (عج) از امور الهی است ، متاسفانه ما میخواهیم به هر قیمتی ولایت تحت عنوان فقیه را در زمان حیات ولایت معصوم حفظ کنیم و این امر نشدنی است متاسفانه ما با ایجاد و حفظ ولایت تحت عنوان ولایت فقیه برای ولی معصوم شریک قائل شده ایم و اگر بخواهیم در رفع این شرک که لازمه آن تغییر حکومت و قانون اساسی آن است هزینه مضاعفی برای مردم ایجاد نکنیم و این نظام را با همین ساختار حفظ کنیم میتوان کرسی ولایت فقیه را همین امروز به صاحب اصلی آن یعنی حضرت ولی عصر (عج) واگذار نمود و غیبت ایشان هم منعی برای این تغییر و تحول نیست

"ولایت فقیه معصوم غایب"

پیشنهاد واگذاری کرسی ولایت فقیه در حکومت جمهوری اسلامی به حضرت ولی عصر (عج) با فرض تداوم و استمرار غیبت ایشان ارائه شده است البته در صورت ظهور حضرت هیچکدام از نظامها و حکومتهای فعلی محلی از اعراب ندارند چراکه حکومت جهانی آن حضرت آرزوی منتظران است واقعا حقایق حاکم بر جامعه امروز ایران به هیچ وجه با دهه شصت و پنجاه قابل مقایسه نیست

اما به جای پیروان نظریه ولایت فقیه فرض میکنیم هنوز در ایران همان حمایت‌های دهه ۶۰ و ۷۰ از نظام و ولایت فقیه وجود دارد و افراد مدعی یا نامزد یا منتخب فعلی و آینده به نوبت بر کرسی ولایت فقیه تکیه بزنند و جامعه را بعد از کلی آزمون و خطا و تحمیل هزینه دست به دست کنند تا روزی که حکومت را تحویل امام عصر (عج) بدهند!

با این تفاسیر آیا اگر همین امروز حکومت را تحویل صاحب شرعی و قانونی آن بدهیم بهتر و منطقی تر نیست !؟ البته اگر تا به امروز گمان میکردیم که غیبت مانع این کار بوده است سخت در اشتباه بودیم باید غیبت را دوباره برای خودمان معنی کنیم چرا که همه ائمه اطهار (ع) دوران غیبت داشتند و غیبت ایشان نیز چیزی جز جدایی ولایت از حکومت نبوده نه عدم حضور ایشان در جامعه ، البته متاسفانه هنوز هم برای واگذاری حکومت به حضرت ولی عصر عج در کشور خودمان که هر جمعه و هر صبح و شب از همه

تریبون‌های رسمی و حکومتی برای فرج و ظهور ان حضرت دعای ندبه و عهد و فرج پخش میکنیم آمادگی ذهنی نداریم اما اکنون راهکار عملی برای این واگذاری پیش روی ماست و متاسفانه تعلل میکنیم ، با این حال چه توقعی از بقیه مردم دنیا میتوانیم داشته باشیم !؟ خدا را صد هزار مرتبه شکر که میخواهیم حکومتی که در اختیار خودمان است را به حضرت بدهیم وای به حال روزی که حاکمیت در اختیار دشمنان حضرت بود

مکاتبه با ولی قراردادی فقیه

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای سید علی حسینی خامنه ای رهبر موقت ایران

سلام علیکم

از آنجا که نگارش این نامه و انتشار آن در فضای مجازی را سریعترین راه ممکن برای ایجاد ارتباط با جنابعالی میدانم ، لذا با توجه به حساسیت موضوع و سرعت در اتخاذ تصمیم از سوی جنابعالی، نسبت به تنظیم و انتشار آن جهت یادآوری چند موضوع مهم اقدام میگردد

جناب آقای خامنه ای

همانطور که مستحضر هستید مشروعیت جایگاه جنابعالی به عنوان رهبر نظام جمهوری اسلامی ایران ، پس از ثبت شخصیت حقیقی وحقوقی حضرت مهدی (عج) در نهادهای ذیربط متعلق به نظام جمهوری اسلامی ایران و صدور شناسنامه و هویت ایرانی برای حضرت ولی عصر (عج) که طبق قانون اعطای

تابعیت به فرزندان زنان ایرانی مصوب مجلس شورای اسلامی یکی از حقوق آن حضرت که از نسل حضرت شهربانو سلام الله علیها همسر گرامی امام حسین علیه السلام در این کشور می‌باشد و پیرو آن انتخاب ایشان به عنوان فقیه جامع الشرایط از سوی مجلس خبرگان رهبری که به عنوان وارث فقه جعفری امری بدیهی است ، کان لم یکن بوده بر این اساس تمام احکام ، فرامین ، دستورات و عزل و نصب‌های انجام شده توسط جنابعالی از تاریخ ۱۳ خرداد ۱۳۹۹ فاقد وجاهت قانونی و غیر شرعی است

لذا مقتضی است جهت جلوگیری از ایجاد هرج و مرج در کشوری که متعلق به آن حضرت است و ممانعت از تکدر خاطر نازنین حضرت بقیه الله الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه هرچه سریعتر وظایف و امور رهبری را با توجه به معذوریت غیبت آن حضرت طبق پیش بینی اصل ۱۱۱ قانون اساسی تا زمان رفع معذوریت ایشان که علم به تاریخ و نحوه آن نیز در اختیار ذات حق تعالی است به شورای متشکل از ریاست محترم جمهور ، ریاست محترم قوه قضائیه و عضو محترم شورای نگهبان قانون اساسی واگذار نموده و بیش از این مردم مظلوم و مسلمان ایران را متاثر از تصمیمات غیر شرعی ، غیر قانونی و غیر مسئولانه خود ننمایید

بدیهی است ارسال این نامه توسط حقیر ، از روی احساس وظیفه و جهت جلوگیری از اتفاقات غیر قابل پیش بینی طی ماه‌های پیش رو انجام شده و با توجه به کهولت سن و عواقب پس از رحلت جنابعالی که گریزی هم از آن نیست ، مسئولیت پذیرش یا عدم پذیرش نصایح مندرج در آن در پیشگاه

خداوند متعال و دادگاه عدل الهی متوجه حضرتعالی به عنوان عالی ترین مقام اجرایی در جمهوری اسلامی ایران است

ومن الله التوفیق
۱۳۹۹/۰۳/۱۵

بررسی نتایج حکمرانی فقیه در دو شاخص اقتصادی و کنترل جمعیت

در ادامه بررسی ضرورت واگذاری کرسی ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران به حضرت ولی عصر (عج) با توجه به دلایل و ظرفیتهای قانونی موجود در اصل ۱۱۱ قانون اساسی ، در این بخش از یک بعد مهم و تاثیر گذار دیگر به این موضوع پرداخته میشود و آن کارنامه بیش از چهار دهه حکمرانی فقیه است . خوشبختانه نتایج حکمرانی دو فقیه در سرزمین ایران اکنون پیش چشم ماست و میتوان کارنامه این نوع حکمرانی را با اهداف مد نظر در برنامه های توسعه مقایسه کرد و پی به نقاط قوت و ضعف آن برد .

هرچند طی سالهای گذشته هرجا موفقیتی هر چند اندک حاصل شده ، مسئولان امر آنرا به خاطر مدیریت نهاد رهبری و شخص فقیه حاکم دانسته و هرجا شکستی هر چند بزرگ پیش آمده آنرا به خاطر مدیریت ضعیف نهادهای دیگر اجرایی ، قضایی و قانونگذاری معرفی نموده اند لکن با نگاه دقیق میتوان ضعف هر بخش و سهم آن را در مدیریت کلان کشور به وضوح مشاهده کرد

به اعتراف تمام اقتصاد دانان داخلی و خارجی که روند اقتصادی ایران را طی چهار دهه قبل پیگیری نموده و در این خصوص اظهار نظر داشته اند ، ضعف اقتصادی ، از قانونگذاری تا اجرا و از نظارت تا برخورد قضایی طی تمام سالهای گذشته مانند یک دمل چرکی برپیکر جامعه ایران جا خوش کرده و تمام سعی حاکمیت فقیه در جایگاه رهبری کشور نیز راه به جایی نبرده و نامگذاریهای ابتدای هر سال هم نتوانسته اند علاج این معضل باشند چرا که تناقض‌های اساسی در سیاستها و برنامه های کشور همیشه مانع رفع این معضلات بوده است

از آنجا که پول یک ابزار مادی برای حکمرانی است دولت و حاکم فقیه مانند سایر حکمرانان دنیا در حکومت خود پول منتشر میکند چرا که برای تسلط بر مردم و تنظیم بازار محتاج این ابزار است حال انکه سایر اولیاء الهی مانند پیامبر و ائمه اطهار (ع) برای حکمرانی خود نیازی به این ابزار نداشتند و پول رایج مردم در حکومتهای اسلامی که توسط پیامبر ، امام علی و امام حسن علیهم السلام اداره می شد پول اقتصادهای موفق آن دوران یعنی دولت ایران ساسانی و دولت روم بود

استفاده از پول غیر بومی میزان تسلط حکومت فقیه بر بازار و مردم را کاهش میدهد و کاملا بدیهی است که نظام مبتنی بر حکومت فقیه غیر از استفاده از این ابزار نتواند بر مردم حکمرانی کند و ارتباط نوع استفاده از پول و

ولایت هم از این جا نشات میگیرد به طور خلاصه باید گفت نتایج حکومت فقیه در بخش اقتصادی جامعه طی چهار دهه اخیر بیانگر عدم توفیق در حکمرانی فقیه و به عبارتی نبود ولایت در او است

یکی دیگر از معضلات جامعه ما طی سالهای اخیر که نگرانی بسیاری از جامعه شناسان و برنامه ریزان را در پی داشته است سیاست کاهش جمعیت در دهه های ۶۰ و ۷۰ بود که در این مورد خاص نیز شخص فقیه حاکم چندین بار به اشتباه خود اعتراف نموده و آنرا جزو سیاستهای بد و غیر قابل جبران دوران حکمرانی خود معرفی نموده است . بدیهی است موضوعات مهمی همچون مسائل اقتصادی ، رشد جمعیت و نرخ زاد و ولد در جامعه از مسائلی نیست که بتوان آنرا با آزمون و خطا پیش برد و داشتن ولایت بر جامعه ضرورت انکارناپذیر این اصول مهم در حکمرانی است که متاسفانه فقیه حاکم ضعف خود را در این موضوعات مهم نشان داده است

در حکمرانی پس از واگذاری کرسی ولایت فقیه به حضرت ولی عصر (عج) قرار نیست نظام جمهوری اسلامی تغییر کند یا قانون اساسی جدیدی برای آن نوشته شود بلکه با واگذاری کرسی ولایت فقیه به حضرت مهدی (عج) عملا جایگاه ولی فقیه به ولایتی واگذار میشود که بنا بر حکمت و مصلحت الهی حضور ندارد و در نبود او هم تا ظهور و استقرار حکومت جهانی آن حضرت هیچ کسی حق اشغال جایگاه او را تحت عنوان ولی ندارد .

در این روش حکمرانی مردم میتوانند در دوران غیبت با رای مستقیم خود به استناد اصل ۱۱۱ قانون اساسی مسئولان پاسخگو را در زمان معذوریت رهبر خود که در دوران غیبت به سر میبرد انتخاب کنند ، چرا که تنها کسانی که به دلیل اتصال به منبع وحی ، اختیار دارند در برابر مردم خود را پاسخگو ندانند ائمه معصومین هستند ، هرچند ائمه اطهار (ع) نیز در زمانهایی که حکومت در اختیارشان بوده همیشه پاسخگوی عملکرد خود به مردم بوده اند

طنز تلخ ماجرا این است که در حکومت فعلی جمهوری اسلامی ایران طبق قانون مردم میتوانند برای هرچیزی از جمله سگها و گربه هایشان یا حتی فرش زیر پایشان درخواست صدور مدارک هویتی بدهند و حاکمیت نیز یک روزه برایشان شناسنامه رسمی صادر میکند ولی همین نظام حاکم هنوز برای امام زمان و رهبر الهی مردم هیچ هویت رسمی و جایگاه قانونی که قائل نیست بماند حتی از صدور یک شناسنامه نیز خودداری کرده است

هرچند تلاش شد تا در کوتاهترین کلام و منطقی ترین استدلال ، حقیقت و جان کلام بر اساس آیات و روایات و قانون رسمی و جاری کشور حضور شما مخاطبان عزیز تبیین گردد اما جا دارد جهت تنویر بیشتر ذیل هرکدام از فصلها و بخشهای این کتاب ، مستندات به صورت مشروح نیز اضافه شود که ان شا الله در چاپ های بعدی این مهم صورت خواهد گرفت

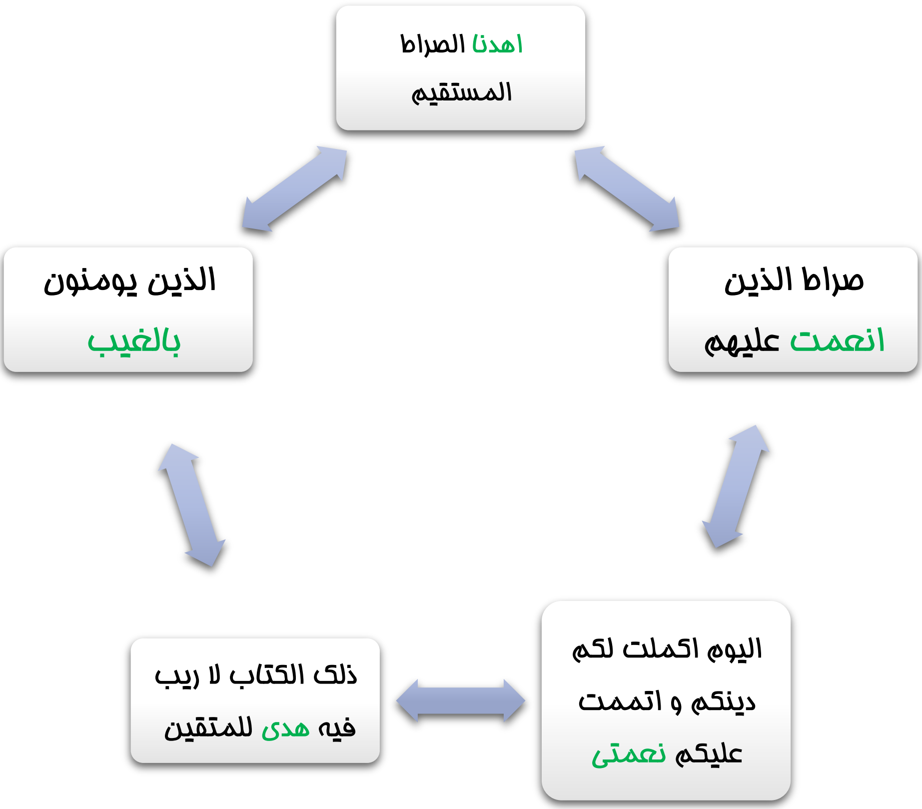
والسلام

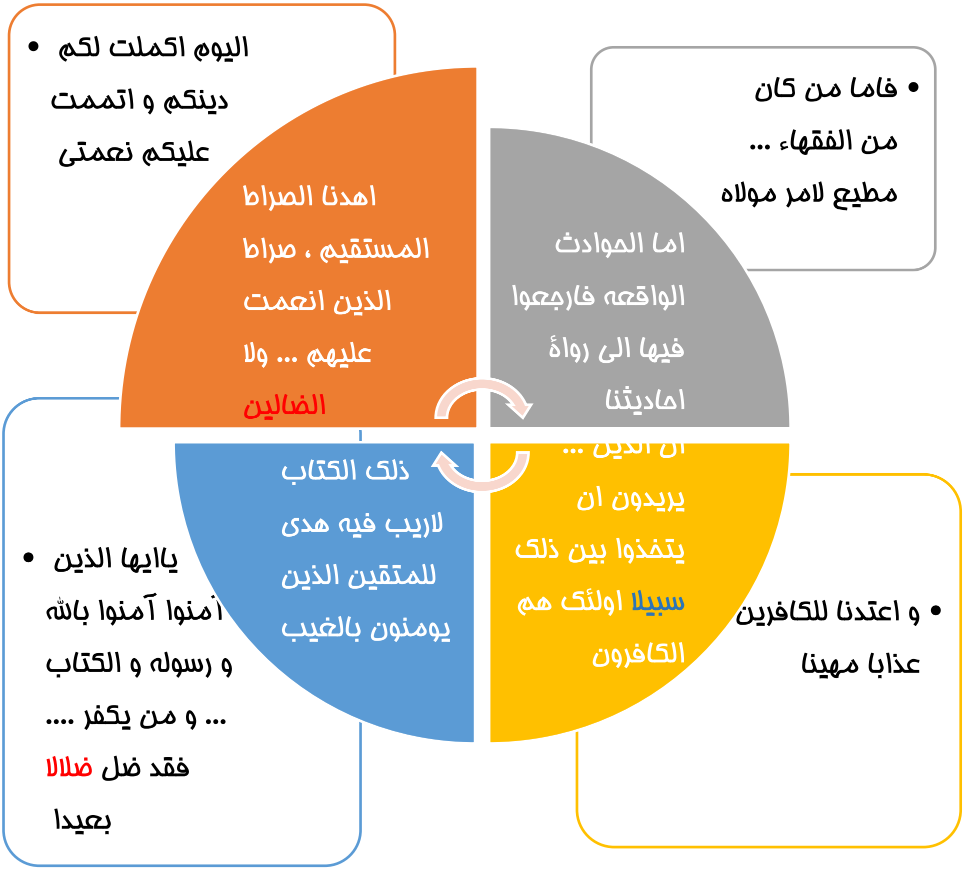
حمید رابعی ، مشهد مقدس ، آبان ۱۴۰۱

جداول ارتباط مفهومی آیات

جدول ارتباط معنایی عبارتهای سوره حمد با سایر آیات

۱	اهدنا	هدی للمتقین	ارتباط مستقیم
۲	الصراط المستقیم	هدی للمتقین	ارتباط مستقیم
۳	الصراط المستقیم	انعمت علیهم	ارتباط مستقیم
۴	انعمت علیهم	اتممت علیکم نعمتی	ارتباط مستقیم
۵	انعمت علیهم	اکملت لکم دینکم	ارتباط مستقیم
۶	انعمت علیهم	رضیت لکم الاسلام	ارتباط مستقیم
۷	انعمت علیهم	یومنون بالغیب	ارتباط مستقیم
۸	مغضوب علیهم	رضیت لکم الاسلام	ارتباط معکوس
۹	مغضوب علیهم	ضل ضلالا بعیدا	ارتباط مستقیم
۱۰	ولا الضالین	ضل ضلالا بعیدا	ارتباط مستقیم


اهدنا الصراط المستقیم
صراط الذین انعمت علیهم
الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی
ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین
الذین یومنون بالغیب


اليوم اكملت لكم
دينكم و اتممت
عليكم نعمتى
فاما من كان
من الفقهاء ...
مطيع لامر مولاه
اهدنا الصراط
المستقيم ، صراط
الذين انعمت
عليهم ... ولا
الضالين
اما الحوادث
الواقعه فارجعوا
فيها الى رواة
احاديثنا
ذلک الكتاب
لاريب فيه هدى
للمتقين الذين
يومنون بالغيب
ان الذين ...
يريدون ان
يتخذوا بين ذلک
سبيلا اولئک هم
الكافرون
ياايها الذين
آمنوا آمنوا بالله
و رسوله و الكتاب
... و من يكفر ....
فقد ضل ضلالا
بعيدا
و اعتدنا للكافرين
عذابا مهينا


ما الحوادث الواقعه فارجعوا فيها الى رواة احاديثنا
فاما من كان من الفقهاء مطيع لامر مولاه
اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتى
اهدنا الصراط المستقيم
صراط الذين انعمت عليهم
ان الذين ... يريدون ان يتخذوا بين ذلک سبيلا اولئک هم الكافرون
و اعتدنا للكافرين عذابا مهينا

درباره انتشارات قرآنیوم

انگیزه و اهداف شکلگیری و برنامه های انتشارات قرآنیوم

انتشارات دانش بنیان قرآنیوم از سال ۱۳۸۶ فعالیت خود را با هدف مقابله و پاسخ به اهـانت‌ها و تحرکات جـریان های شیطانی علیه ساحت مقدس ولایت ائمه اطهار علیهم السلام ، قرآن کریم ، اعتاب مقدسه و سایر مقدسات اسلامی آغاز نموده است

این انتشارات با تولید محتوی در حوزه نشر دیجیتال طی ۱۵ سال اخیر به چند اصل اساسی و شاخص در تولید و انتشار آثار خود پایبند بوده است به همین خاطر در ابتدای فعالیت خود طراحی و تولید قلمهای جدید برای انتشار محتوا را سرلوحه فعالیتهایش قرار داده و با تولید نرم افزار نگارش علیا و

استفاده از آن در نشر ترجمه انگلیسی قرآن کریم باب جدیدی را پیش روی محققین حوزه علوم قرآنی قرار داده است.

انتشارات قرآنیوم با تمرکز بر روی کتب خطی و اسناد به جامانده از ائمه اطهار و پیامبر اکرم علیهم السلام در موزه ها و کتابخانه های سراسر دنیا نسبت به احیاء دستخط و بازآفرینی این آثار اهتمام نمود که حاصل آن علاوه بر تکمیل آثار به جامانده از ائمه اطهار ، برای نخستین بار بسیاری از ادعیه ، زیارات ، احادیث و سخنان گهربار نیز با دستخط ایشان در قالب بیش از ۴۰ جلد کتاب تولید و منتشر شد . پس از شکل گیری جریان شیطانی در برخی از کشورهای اروپایی که با هدف تخریب شخصیت پیامبر گرامی اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام و چهره اسلام و قرآن ایجاد شده بود ، انتشارات قرآنیوم نیز تولید محتوی در قالب مقالات و کتابهای الکترونیکی ، در جهت مقابله با این جریانات را نیز به فعالیتهای خود افزود و سعی کرد تا با گسترش فعالیتهای رسانه ای خود این هجمه ها را نیز بی اثر نموده و پاسخ درخوری به تبلیغات مسموم دشمنان اسلام و قرآن بدهد که از آن جمله میتوان به انتشار ترجمه های قرآن به ۷ زبان زنده دنیا با استفاده از نگارش علیا اشاره کرد

انتشارات قرآنیوم در ادامه فعالیت خود با انتشار قرآنهای منسوب به دستخط ائمه اطهار علیهم السلام ، ترجمه قرآن کریم به سایر زبان‌های زنده دنیا با استفاده از نگارش علیا ، انتشار احادیث ادعیه و زیارات با دستخط منسوب به ائمه اطهار و انتشار قرآن مقطعه مسیر خود را ادامه داد

با توجه به اینکه اهانت‌ها و حرکت‌های وقیحانه برخی افراد و جریانات شیطانی در کشورهای مختلف به قرآن کریم و مقدسات اسلامی طی سالهای پس از انتشار کتاب آیات شیطانی از سوی سلمان رشدی انگیزه شکل‌گیری انتشارات دانش بنیان قرآنیوم بوده است و از آنجایی که همه ادیان و مذاهب ابراهیمی به خداوند متعال اعتقاد دارند، شیوه رسم‌الخط ترجمه قرآن‌کریم در مجموعه قرآنیوم که ویژگی اصلی آن تکرار نام جلاله «الله» است و همچنین دستخط منسوب به اولیاء الهی در قرآنهای بازآفرینی شده میباشد می‌تواند جامعه اسلامی و پیروان دیگر ادیان را به تأمل بیشتری در خصوص انگیزه و اهداف شیطانی آمران و عاملان این اهانت‌ها جلب کند.

نامگذاری انتشارات قرآنیوم

از دلایل نام‌گذاری این مجموعه به قرآنیوم میتوان به اعتقاد این مجموعه بر این حقیقت اشاره کرد که ترجمه قرآن نباید همنام قرآن باشد، چراکه قرآن کلام الهی است و ترجمه نمی‌تواند دقیقا همان مفاهیم کلام الهی را منتقل نماید ، چه از لحاظ معنی و چه از لحاظ شکل حروف و از این‌رو، این مهم‌ترین دلیل نام‌گذاری متفاوت این مجموعه است. همچنین با توجه به اینکه واژه «قرآنیوم» و تلفظ لاتین آن به شکل «کُرآنیوم» به‌دلیل مشابهت با کلمه «اورانیوم» و فضاسازی‌های رسانه‌ای و سیاسی در بحث انرژی هسته‌ای یک کلیدواژه شناخته‌شده از ایران در دنیا است ، این شباهت آوایی ، ذهن‌ها را به این‌سو هدایت میکند که این مجموعه برخاسته از ایران است و از آنجا که

جریان‌های شیطانی از زبان رمز و اشاره برای مخابره اهداف و برنامه های خود برای پیروانشان استفاده کرده و می‌کنند، عبارت قرآنیوم نیز حاوی پیام‌ها و رموزی برای این افراد خواهد بود.

یکی دیگر از دلایل انتخاب این نام ، مفهوم واژه قرآنیوم با لهجه خراسانی آن در عبارت من قرآنی هستم بوده است . در لهجه خراسانی چنین پسوندی عموماً برای ایجاد تعلق و مالکیت به کار برده می‌شود و در عبارت قرآنیوم هم با لهجه خراسانی به این معنا اشاره شده است که من قرآنی هستم. علاوه بر مجموعه قرآنیوم شامل ترجمه های قرآن کریم با نگارش علیا ، مجموعه «نرم‌افزار جامع بازآفرینی قرآن‌های منسوب به ائمه‌اطهار(ع)» شامل بازنویسی تعداد ۱۱ نسخه قرآن کریم منسوب به دست‌خط ائمه‌اطهار موجود در موزه آستان قدس رضوی، موزه کاخ گلستان، دانشگاه بیرمنگام و کشور بحرین، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه با دست‌خط منسوب به امام‌علی(ع) و امام‌سجاد(ع)، عیون اخبارالرضا(ع) با دست‌خط منسوب به امام‌رضا(ع) و همچنین مجموعه نرم‌افزاری «مفاتیح‌الکلام» شامل ادعیه و زیارات با دست‌خط منسوب به اهل‌بیت(ع) تولید و وقف کتابخانه آستان قدس رضوی شده است همچنین برای نخستین بار پس از غیبت حضرت ولی عصر (عج) دادخواست شکایت از غیبت آن حضرت نیز در قالب قرآن مقطعه در سایت قرآنیوم ارائه شده است

افتخارات کسب شده توسط انتشارات دانش بنیان قرآنیوم

منتخب جشنواره آخرین منجی	تاریخ: ۱۳۸۶
منتخب جشنواره رسانه های دیجیتال	تاریخ: ۱۳۹۳
منتخب جشنواره بین المللی امام رضا	تاریخ: ۱۳۹۱
منتخب جشنواره رسانه های مهدوی	تاریخ: ۱۳۹۲
منتخب جشنواره رسانه های رضوی	تاریخ: ۱۳۹۴
منتخب جشنواره بوی سیب	تاریخ: ۱۳۹۰
منتخب جشنواره مدافعان حریم ولایت	تاریخ: ۱۳۹۲
منتخب نخستین جشنواره ملی خلاقیت نوآوری و کارآفرینی	تاریخ: ۱۳۹۹

اهم پروژه های اجرا شده در انتشارات دانش بنیان قرآنیوم

بازآفرینی خطبه توحیدیه با دستخط امام رضا علیه السلام

بازآفرینی خطبه غدیر با دستخط پیامبر اکرم (ص)

بازآفرینی خطبه فدکیه با دستخط حضرت علی بن موسی الرضا

بازآفرینی دعای عرفه با دست‌خط امام حسین علیه السلام

بازآفرینی دعای عهد با دستخط امام صادق(ع)

بازآفرینی دعای مکارم الاخلاق با دستخط امام سجاد(ع)

بازآفرینی دعای ندبه با دستخط امام صادق(ع)

بازآفرینی دعای کمیل با دستخط امام علی علیه السلام

بازآفرینی رساله ذهبیه با دستخط منسوب به امام رضا(ع)

بازآفرینی زیارت جامعه کبیره با دستخط امام هادی(ع)

بازآفرینی زیارت عاشورا با دستخط امام کاظم علیه السلام

بازآفرینی زیارت غدیریه با دستخط امام هادی(ع)

بازآفرینی زیارت ناحیه مقدسه با دستخط امام حسن عسکری علیه السلام

بازآفرینی زیارتنامه حضرت عبدالعظیم حسنی با دستخط امام هادی علیه السلام

بازآفرینی زیارتنامه حضرت فاطمه معصومه با دستخط امام رضا(ع)
بازآفرینی زیارتنامه پیامبر(ص) با دستخط امام حسن(ع)
بازآفرینی صحیفه سجادیه با دست‌خط امام سجاد علیه السلام
بازآفرینی قرآن کریم با دستخط منسوب به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
بازآفرینی قرآن کریم با دستخط منسوب به حضرت امام حسن علیه السلام
بازآفرینی قرآن کریم با دستخط منسوب به حضرت امام حسین علیه السلام
بازآفرینی قرآن کریم با دستخط منسوب به حضرت امام رضا علیه السلام
بازآفرینی قرآن کریم با دستخط منسوب به حضرت امام سجاد علیه السلام
بازآفرینی قرآن کریم با دستخط منسوب به حضرت امام صادق علیه السلام
بازآفرینی قرآن کریم بادستخط منسوب به حضرت امام موسی بن جعفرعلیه السلام
بازآفرینی قرآن کریم با دستخط منسوب به حضرت امام هادی علیه السلام
بازآفرینی قرآن کریم با دستخط منسوب به حضرت رسول اکرم (ص)
بازآفرینی قرآن کریم با دستخط منسوب به حضرت علی علیه السلام
بازافرینی قرآن کتابخانه کدبوری (قدیمیترین قرآن کشف شده جهان)
بازآفرینی مناجات شعبانیه با دستخط منسوب به امام حسین علیه السلام
بازآفرینی نهج البلاغه با دستخط حضرت علی علیه السلام
بازآفرینی نهج الفصاحه با دستخط حضرت رسول اکرم (ص)
قرآنیوم ترجمه قرآن کریم با نگارش علیا به زبان آلمانی
قرآنیوم ترجمه قرآن کریم با نگارش علیا به زبان اسپانیایی
قرآنیوم ترجمه قرآن کریم با نگارش علیا به زبان انگلیسی
قرآنیوم ترجمه قرآن کریم با نگارش علیا به زبان ایتالیایی
قرآنیوم ترجمه قرآن کریم با نگارش علیا به زبان فرانسوی
قرآنیوم ترجمه قرآن کریم با نگارش علیا به زبان پرتقالی
قرآنیوم ترجمه قرآن کریم با نگارش علیا به زبان نروژی
قرآن مقطعه دادخواست شکایت از غیبت حضرت ولی عصر (عج)

برنامه های آتی انتشارات دانش بنیان قرآنیوم

احیاء دستخط افراد تاثیر گذار جامعه از جمله شخصیتهای مذهبی و علمی

بازآفرینی آثار مکتوب خطی و تبدیل آثار موجود در منابع

ایجاد بانک دستخط جهت شخصی سازی سخت افزاری و نرم افزاری

استفاده از دستخط دیجیتال (فونت) در برنامه های رمزنگاری و امنیت شبکه

عرضه محصولات موسسه قرآنیوم به صورت توکن غیر مثلی(NFT)

اللهم صل علی م ح م د و آل محمد و عجل فرجهم و العن اعدائهم

پایان

Absent jurist

Examining the legal position of the absent jurist
In the conditions of the establishment of the
government of the Islamic Republic

Prepared and written by:
Hamid Rabei